

دوره ششم تقنینیه

# مذاکرات مجلس

شماره  
۱۸۸

جلسه  
۲۲۳

قیمه اشتراك

داخه ايران ساليانه ده تومان  
خارجه « درازده تومان

قیمه تك شماره

يك قران

مندرجات

فقط شامل مذاکرات مشروحه جلسات مجلس شورای ملی  
خواهد بود

پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در يك شماره منتشر میشود.

مطبعة مجلس

تاریخ تاسیس آذر

۱۳۰۵

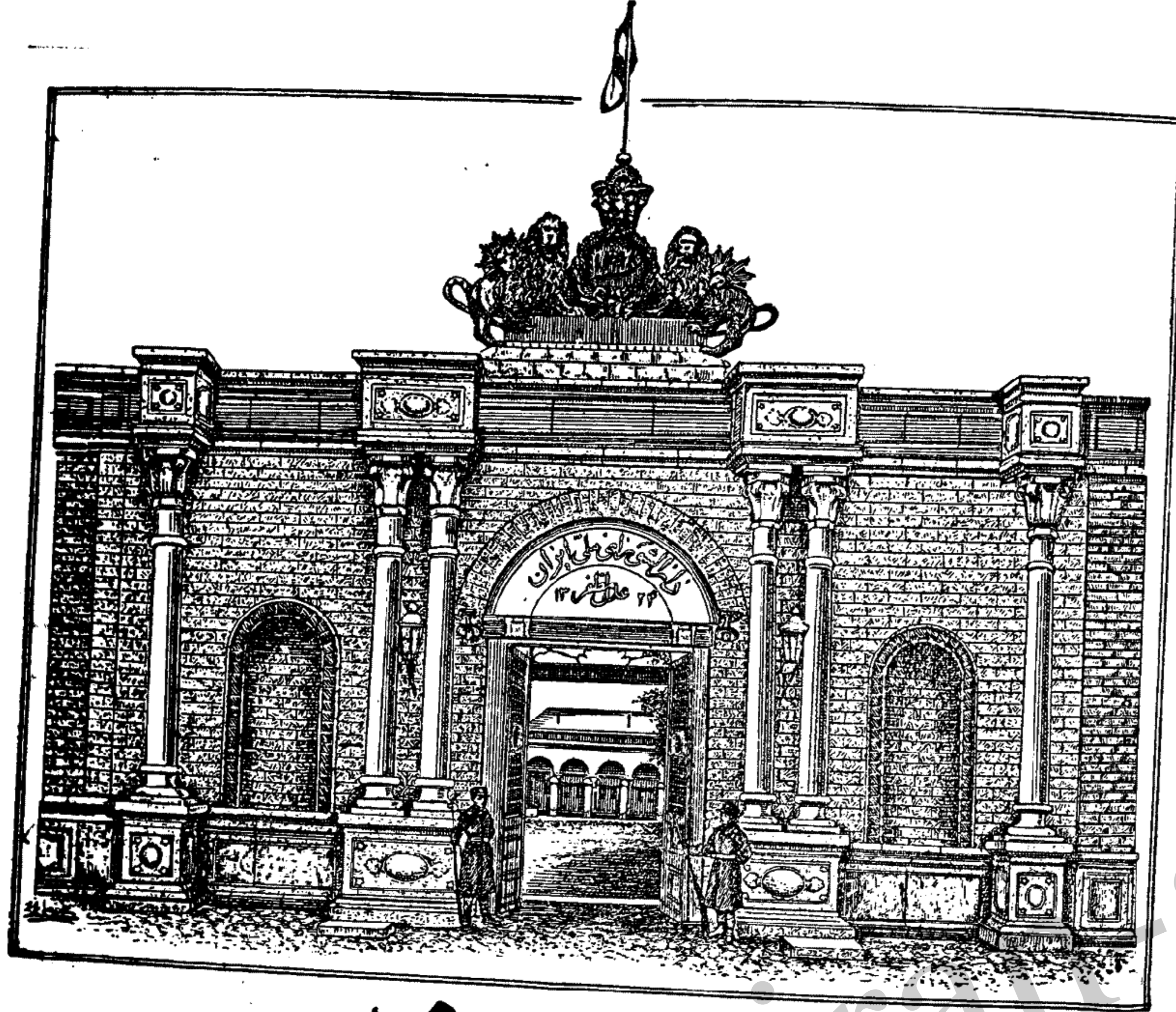
جلسه ليله يك شنبه ۲۷

۱ اسفند ماه ۱۳۰۶

مطابق ۲۵ رمضان المبارک

۱۳۴۶

# فهرست مندرجات



## مذاکرات مجلس دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس ليله يك شنبه ۲۷ اسفندماه ۱۳۰۶ مطابق ۲۵ رمضان المبارک ۱۳۴۶

### جلسه ۲۲۳

(مجلس سه ساعت و ربع از شب گذشته برپاست)  
 آقای بیرنیا تسلیل گردید  
 (صورت مجلس ليله سه شنبه ۲۳ اسفند  
 را آقای بنی سلیمان قرائت نمودند)  
 غائبین با اجازه جلسه قبل  
 روحی - دهستانی - جوانشیر  
 غائبین بی اجازه جلسه قبل  
 آقین : اسدی - اعظمی - نظام مافی - قوام شیرازی

ردیف	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	نصوب مرخصی آقایان : دهستانی - زنگنه - جهانشاهی	۲۹۵۰	
۲	مذاکره نسبت به لایحه دولت راجع به قطع دعاوی از طریق حکمیت	۲۹۵۱	۲۹۷۵

مهدوی - میرزا حسن خان ونوق - حاج غلامحسین  
ملك - بجی خان زنگنه -

رئیس - صورت مجلس ابرادی دارد یا نه ؟  
( گفتند - خیر )

رئیس - صورت مجلس تصویب شد

وزیر عدلیه - بنده میخواستم تمنا کنم که آقایان  
اجازه بدهند لایحه حکمیت جزء دستور شود  
( نمایندگان - صحیح است )

رئیس - خبر کمیسیون عرایض و مرخصی  
نماینده محترم آقای دهستان از دم فروردین برای  
معالجه مدت چهل روز تقاضای مرخصی نموده کمیسیون  
با تقاضای ایشان موافقت نموده خبر آنرا تقدیم مینماید

رئیس - آقای عباس میرزا

عباس میرزا - بنده مخالفی ندارم در این خبر، در  
لایحه حکمیت عرضی دارم.

رئیس - رأی گرفته میشود به این خبر آقایانیکه  
تصویب میکنند قیام فرمایند  
( اکثر قیام نمودند )

رئیس - تصویب شد. خبر دیگر.

( شرح ذیل قرائت شد )

نماینده محترم آقای زنگنه بوسیله نماینده محترم آقای  
پالیزی از ۱۷ اسفندماه تقاضای ده روز مرخصی نموده  
کمیسیون موافق و خبر آن تقدیم میشود

رئیس - آقایان موافقین با این خبر قیام  
فرمایند.

( اکثر برخاستند )

رئیس - تصویب شد خبر دیگر

نماینده محترم آقای مصدق جهانشاهی برای معالجه مزاج  
از اول اردیبهشت ۱۳۰۷ دو ماه تقاضای مرخصی نموده  
کمیسیون عذرایشانرا موجه دانسته با تقاضای ایشان موافق

و خبر آنرا تقدیم مینماید

رئیس - آقایانیکه مفاد این خبر را تصویب میکنند  
قیام فرمایند

( عده زیادی برخاستند )

رئیس - تصویب شد آقای محمد ولی میرزا

محمدولی میرزا - نظر باینکه وضع قوانین همیشه از  
نقطه نظر حفظ اسایش عمومی طبقات مختلفه بوده  
است از این نقطه نظر محتاج باین شده است که يك  
اصلاحی در قانون بهمن ماه ۳۰۴ راجع بالغاء باج  
راه ها بشود. جمعی از آقایان مخصوصاً خود بنده  
يك نظری داشتم که در تحت يك ماده واحده برای اصلاح  
ماده دوم آن قانون تقدیم مقام ریاست میکنم  
( طرح مزبور را مقام ریاست تقدیم نمودند )

رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی راجع بدستور امشب  
فرمایشی داشتید ؟

حاج میرزا مرتضی - بلی. چون از سال ۱۳۰۶  
چند روزی بیشتر باقی مانده است و بودجه مجلس مطابق  
معمول سابق بر خلاف سایر بودجه وزارتخانهها همیشه  
قبل از سال جدید میبایستی بگذرد و از تصویب کمیسیون  
محاسبات گذشته است. بنده عقیده ام این است که  
بودجه مجلس را مثل سایر وزارتخانهها به سال بعد نیندازیم  
و خواستیم استدعا کنیم که بودجه مجلس را در درجه  
اول جزء دستور بگذارند و تکلیف آن قبل از ورود به  
سال بعد معلوم شود و از مجلس بگذرد ؟

رئیس - آقای دادگر

دادگر - عرض کنم. مسئله بودجه مجلس همطور  
که آقا فرمودند از مسائلی است که میبایستی با علاقه  
مندی و با سرعت انجام شود ولی امشب که مذاکره  
شد يك امر غفلی بود و با آقایان رفقا هم که مذاکره  
شد معلوم شد در اینخصوص مطالعه نکرده اند و حکمیت را  
هم که آقای وزیر عدلیه تقاضا کردند دستور گذارده شود از  
نقطه نظر اهمیت در درجه اول است و خیلی مسئله عام المنفعه ایست

باین جهت ما هم موافقت کردیم که آن قانون جزء  
دستور شود

رئیس - رای گرفته میشود به پیشنهاد آقای حاج  
میرزا مرتضی آقایان موافقین قیام فرمایند.  
( معدودی قیام نمودند )

رئیس - تصویب نشد. پیشنهاد آقای فرهمند

( بشرح ذیل قرائت شد )

بنده پیشنهاد میکنم ماده مربوطه به عیدی مستخدمین  
وزارتخانه ها در بودجه کل مملکتی استثنائاً مطرح شود  
رئیس - آقای فرهمند

مخبر فرهمند - عرض کنم موضوع عیدی مستخدمین  
جزء وزارتخانه ها چیزی است که سابقه دارد و خاطر همه  
آقایان هم مستحضر است. فقط يك رای لازم دارد این  
بود که بنده تقاضا کردم امشب جزء دستور شود و بگذرد

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - گرچه بنده هم با آقا موافقم که بایستی  
عیدی مستخدمین جزء واقعا مردمان بیچاره هستند زودتر  
تأدیه شود و مانعی هم ندارد ولی بنده هرچه فکر میکنم يك قانونی  
که اولویت نسبت بقانون حکمیت داشته باشد نیست این  
است که مصرأ استدعا میکنم که آقا هم موافقت فرمایند که  
قانون حکمیت جزو دستور شود.

فرهمند - ممکن است بعد از قانون حکمیت باشد  
بعضی از نمایندگان - صحیح است

رئیس - قانون حکمیت مطرح است. مذاکرات راجع

بکلیات است. آقای رفیع

رفیع - موافقم

رئیس - آقای بیات

مرتضی قلیخان بیات - موافقم

رئیس - آقای عراقی

عراقی - موافقم

رئیس - آقای روحی

روحی - عرض کنم که بنده در کلیات يك اعتراضی  
داشتم و میل داشتم که آقای وزیر عدلیه جواباً بنده را  
اقناع کنند. بعقیده بنده قانون حکمیت بهترین قوانینی  
است که تا این تاریخ بمجلس آمده و فوائد و محسنات این  
قانون بیش از آنچه هست که تصور میشود و انشاء الله در  
عمل میبینیم. همینقدر بنده عرض میکنم ( گرچه لایحه  
حکمیت وقتی اجرا شود يك سهولت هائی برای مردم  
درست میکند ) ولی بنده مخالفتم راجع به حکم ها است  
چون برای حکم ها شرایط چندانی مقرر نشده است و  
در ضمن يك حقوقی هم برایشان معین شده است. پنج  
عشر و سه عشر و فلان ولی اگر يك کسی حکمی معین  
کرد و مرحله استینافی برای آن کار پیدا شد هیچ  
مجازاتى برای حکم قائل نشده اند

بعضی از نمایندگان - عجب! چه مجازاتی؟

روحی - اجازه بدهید. بنده عرض میکنم حکم  
مستخدم رسمی نیست که حقوق بهش میدهند. هر جا  
که حقوق میدهند باید مسؤولیت در کار باشد. این يك  
اصل مسامی است در دنیا که در مقابل حقوق باید  
مسؤولیت هم باشد. بنده عرض میکنم اگر يك حکمی  
مطابق قانون رفتار نکرد تکلیف چیست؟ ممکن است  
حقوق بنده را از بین ببرد. بنده خواستم عرض کنم  
که در مقابل اینکه حقی میگیرد باید برای او هم يك  
مجازاتى معین کنید زیرا ممکن است يك کسی در ایران  
تضییع حق از میان برود. بنده میخواستم به بینم که  
چه مجازاتی برای حکم در صورت تضییع حق مردم معین  
شده است ؟

رئیس - آقای حاج آقا رضا

حاج آقا رضا ( رفیع ) - نماینده محترم در ضمن  
مخالفت در کلیات يك مخالفتی کردند که اصلاً مخالفت نبود  
برای اینکه اگر ما بخواهیم برای حکم مجازاتی معین  
کنیم معنایش این است که هیچ حکمی معین نشود زیرا

هیچ حکمی نبرود يك جائی حکمیت کند که مجازات برایش معین شده باشد و بالاخره در صورتیکه يك فرمایشاتی داشتید در کلیات لازم نبود بفرمائید. ممکن بود يك پیشنهادی بفرمائید و وقتی که ماده مربوط باین امر مطرح میشود آن پیشنهاد مطرح شود و مجلس اگر مجازاتی را قبول کرد رای میدهد و اگر هم قبول نکرد بالاخره رای نخواهد داد ولی این را لازم است عرض کنم که آقایان باید يك جنبه را در نظر بگیرند که ما باید امشب این قانون را بگذرانیم و در صورتیکه اینطور باشد نخواهد گذشت و اگر مثل سایر لوائح می پیشنهاد می شد هم زیاد حرف زدن باشد قطعاً این قانون خواهد گذشت پس ما باید با یکدیگر موافقت کنیم که انشاء الله امشب این قانون حکمیت که بهترین قوانین است بگذرد

رئیس -- آقای کازرونی

کازرونی -- موافقم.

بعضی از نمایندگان -- مذاکرات کافی است

رئیس -- رای گرفته میشود بشور در مواد آقایان موافقین قیام فرمایند

( اکثر بر خاستند )

رئیس -- تصویب شد ماده اول

( مجدداً بمضمون ذیل خوانده شد )

ماده ۱ -- هرگاه در دعوی حقوقی یکی از متداعین محکمه صلح بدایت و تجارت از محکمه تقاضا کند قطع دعوی بطریق حکمیت انجام گیرد محکمه طرف دیگر دعوی را بموافقت با این تقاضا تکلیف و مطابق مواد ذیل رفتار خواهد کرد مشروط بر اینکه تقاضای حکمیت تا آخر جلسه اول محاکمه بعمل آمده و دعوی در آن محکمه بدایتاً طرح شده باشد.

رئیس -- آقای باستانی

باستانی -- بنده در این ماده نظری دارم و عرض میکنم ممکن است آقای مخبر جواب بدهند. در اینجا

نوشته است که تا آخر جلسه اول محاکمه تقاضای حکمیت بعمل آمده باشد. در محاکمات اختصاری بایستی مرتباً در جلسه اول محاکمه تقریباً تمام شود و میتواند طرفین تقاضا کنند که يك جلسه دیگر هم تمدید شود اگر يك معاذیر موجهی در بین باشد و در محاکمات عادی هم مطابق قوانین فعلی غالباً اظهارات متداعین در ابتدای امر اصفا میشود و جوابهای طرفین که حاضر شد جلسه محاکمه معین میشود این جا قید شده است که در اولین جلسه تقاضای حکمیت بشود اگر ما در يك مورد استثناء قائل نشویم وکلای عدلیه که همیشه عقب يك تبه و سوراخهایی میکردند و پیدا میکنند برای فرار از موقعی که پیش می آید ممکن است سوء استفاده کنند، مثلاً مدعی عرض حال خود را داده است و مواد آنرا به طرف ابلاغ کرده اند در ضمن اینکه مدعی علیه جواب داده است یا فهمیده جواب داده است و بعضی اظهارات الزام آوری کرده است در جلسه اول باید محکمه حکم بدهد ولی با این ترتیبی که این جا نوشته شده است نتیجه اش این میشود که نا حس کرد یکی از طرفین که محکوم میشود فوراً تقاضای حکمیت میکنند برای طرفه و قضیه بطول می انجامد بنده عقیده ام این است که بایستی در این ماده قید شود باستثناء مواردی که یکی از متداعین اقرار کرده باشد یعنی اگر اظهارات الزام آوری از یکی از طرفین نشده باشد و تقاضای حکمیت از طرف یکی از متداعین بشود در جلسه اول ترتیب اثر بدهند و الا نمیشود زیرا اگر ما قائل شویم که در محاکم اختصاری که باید در اولین جلسه محاکمه تمام شود به تقاضای حکمیت ترتیب اثر بدهند نمی شود و باید اقرار آنها را محکمه اتخاذ کند و حکم بدهد پس دیگر موردی برای حکمیت باقی نمی ماند این بود نظر بنده

وزیر عدلیه -- بنده تصور میکنم که اگر ما نخواهیم این قبیل موارد را استثنا بکنیم به مشکلات زیادی بر میخوریم برای اینکه آقا تصدیق میفرمایند که

اقرار غیر ممکن است و کمتر میشود که در جلسه اول محاکمه با يك صراحتی بشود اغلب ممکن است يك قسمت مذاکراتی از طرفین بشود که از آن مذاکرات استنباط اقرار شود و اگر ما این قید را در این جا بکنیم آنوقت در اغلب موارد و مواقع باید سر این مسئله دعوا کرد که آیا مذاکراتی که انجام شده است از آنها میشود استنباط اقرار کرد یا نه. و بنده تصور میکنم که بهترین ترتیب این است که نوشته شده است و خوب است مشکلات را زیاد نکنیم و بر فرض هم که در جلسه اول اقرار کرد و تقاضای حکمیت شد همان دوسیه هم برود پیش حکم و حکمین هم البته آن اقرار را در نظر میگیرند

رئیس -- آقای حاج آقا رضا

حاج آقا رضا رفیع -- موافقم

رئیس -- آقای دادگر

دادگر -- موافقم

رئیس -- آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب -- بنده عبارت را خواندم و اگر يك قدری صریح تر نوشته شده بود بهتر بود این جا نوشته شده است: هرگاه در دعوی حقوقی یکی از متداعین محکمه صلح، بدایت و تجارت، ما بابت عبارت را يك طوری بنویسیم که عامد بفهمند ما میخواهیم قانون را بدست مردم بدهیم که مردم بفهمند حالا هر جوری که آقای مخبر میخواهند عبارت را تغییر بدهند بدهند در هر حال باید يك طوری نوشته شود که واضح تر باشد و نوشته شود در محکمه صلح بدایت و تجارت، این يك نظر که رای صریح بودن عبارت است يك مطلب دیگر که جواب آقای روحی و گویا مطالعه نکرده اند و اگر مطالعه کرده بودند میدیدند که در لایحه دارد که اگر حکم خلاف کرد ده سال مجازات برایش معین کرده اند

وزیر عدلیه -- این شکلی را که آقا فرمودند بنده

تصور میکنم که اگر این طور نوشته شود يك اشکال دیگری پیدا میشود برای اینکه اگر بنویسیم متداعین در محکمه صلح فرق دارد با اینکه این جا نوشته شده است چرا؟ برای اینکه متداعین محکمه صلح کسانی هستند که دعویشان را در محکمه صلح صلاح دانسته اند ولی اگر بنویسیم متداعین در محکمه صلح ممکن است يك کسی بگوید که يك دعوائی را که از حد نصاب محکمه صلح بالاتر است میبرم در محکمه صلح و تقاضای حکمیت میکنم.

رئیس آقای افشار

افشار -- موافقم.

رئیس -- آقای کازرونی

کازرونی -- موافقم.

رئیس -- آقای عمادی

عمادی -- موافقم

رئیس -- آقای بیات

مرتضی قلیخان بیات -- موافقم

بعضی از نمایندگان -- مذاکرات کافی است.

رئیس -- پیشنهاد آقای عباس میرزا

( بمضمون ذیل خوانده شد )

در ماده اول پیشنهاد میکنم که نوشته شود: متداعین محکمه بدایت الی آخر  
رئیس -- آقای عباس میرزا

عباس میرزا -- بنده در این ماده معتقدم اینست که موضوع حکمیت البته يك چیز خیلی مهمی است و در مسائل جزئی و خیلی کوچک دیگر حکمیت لازم نیست مخصوصاً در جاهاییکه محکمه صلح هست ممکن است حکم های خوبی پیدا نشود و خیلی چیزهای جزئی است که در محاکم حل میشود. اینست که بنده محاکم صلح را مستثنی کردم

مخبر - اتفاقاً این قانون در محاکم صلح و درامورات جزئی فوایدش بیشتر است زیرا که غالباً اشخاصی که دعاوی کوچک دارند بیشتر احتیاج دارند به کد خدا منشی و حکمیت. بنابراین خوب است حضرت والا موافقت بفرمایند که این قانون در کلیه محاکمی که ذکر شده است اجرا شود.

رئیس - رأی گرفته میشود باین پیشنهاد آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند (کسی قیام نکرد) رئیس - قایل توجه نشد. پیشنهاد آقای فیروز آبادی.

(شرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم که در این ماده نوشته شود در تمام محاکم از صلحیه و ابتدائی و استیناف و نیز هرگاه طرفین تقاضای حکمیت نمایند پذیرفته می شود.

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده این لایحه را چون اسباب تسهیل محاکمات میشود و خیلی خوب است و اسباب آسایش مردم می شود و کار به حکمیت می گذرد و مردم راحت میشوند خیلی خوب می دانم ولی چیزی که هست این جا میگوید اگر يك طرف تقاضای حکمیت کرد طرف دیگر را هم مجبور بقبول می کنند. بنده عقیده ام این است که تقاضا باید از دو طرف باشد و طرفین اگر تقاضای حکمیت کردند باید قبول شود اما اگر يك طرف تقاضای حکمیت کرد ابتدا نمیشود قبول کرد چرا برای اینکه چه بسیار میشود که در بین محاکمه يك نفر می بیند که دارد مغلوب میشود تقاضای حکمیت کند که محاکمه را لغو کند و حکمیت شود و کار می افتد به حکمیت و اسباب تعویق کار میشود این است که بنده پیشنهاد کردم که باید طرفین تقاضا کنند و در تمام محاکم از

ابتدائی و استیناف و نیز و غیره و غیره در هر محکمه که طرفین دعوی تقاضای حکمیت کردند پذیرفته شود ولی اگر يك طرف تقاضای حکمیت کردند این رأی می شود پذیرفت.

رئیس - آقای عراقی

عراقی - آقای فیروز آبادی گمان می کنم که با اشتباه کرده اند و با لایحه را مطالعه نکرده اند تقاضای حکمیت که به استیناف و نیز نمیرسد در جلسه اول محاکمه می شود تقاضای حکمیت کرد و جلسه اول محاکمه مسلم است که در استیناف و نیز نیست نائیباً در این قسمت که میفرمایند طرفین تقاضا کنند عرض میکنم که ما برای رضیه حال متداعین گفتیم که اگر يك طرف تقاضا کنند قبول میشود و اگر دو طرف تقاضا کنند که البته قبول خواهد شد و این مسئله دیگر به استیناف و نیز مربوط نیست برای اینکه از ابتدا که طرفین وارد دعوی شده اند و کلاشان وارد دعوی نشده اند و رجوع بمحاکم دیگر نشده است در جلسه اول میتوانند تقاضای حکمیت کنند ولی وقتی که وارد استیناف یا تمیز شد و يك کسی میبیند که دارد محکوم میشود دیگر نمیشود تقاضای او را پذیرفت باید در محکمه بدایت باشد و در جلسه اول محاکمه تقاضا شود پس این پیشنهاد بدمورد است

رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد را قایل توجه میدانند قیام فرمایند.

(چند نفری قیام کردند)

رئیس - قابل توجه نشد. رأی گرفته میشود بماده اول آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند.

(اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده دوم

(نائیباً بشرح ذیل خوانده شد)

ماده ۲ - هرگاه تقاضای حکمیت از طرف مدعی بشود و مدعی علیه در موعد مقرر تعیین حکم ننهد محکمه

از طرف ممتنع حکم او و همچنین حکم ناک را بقرعه مطابق ماده ۴ تعیین خواهد کرد. هرگاه تقاضای حکمیت از طرف مدعی علیه بشود و مدعی امتناع نماید دعوی توقیف خواهد شد تا مدعی حکم خود را معین نماید

رئیس - آقای بیات

مرضی قلیخان (بیات) - در این ماده ۲ بطوریکه نوشته شده در صورتیکه مدعی علیه حاضر نشود برای این که حکم خود را معین کند محکمه حکم را از طرف او معین میکند ولی در صورتی که مدعی حاضر نشد نوشته است که آن محاکمه متوقف میباشد تا وقتیکه مدعی حکمش را معین کند. در اینجا مطابق قسمت اول ماده این طور است که در صورتیکه مدعی علیه حکمش را معین نکند محکمه حکم او را معین می کند و دعوی تمام خواهد شد ولی مال طرف دیگر همینطور بلا تکلیف میباشد و این دعوی برای طرف باقی خواهد ماند تا هر وقتی که مدعی حکمش را معین کند و با این ترتیب البته يك نزاعی برای ملك یا دارائی طرف فراهم میکند و در قانون اصول محاکمات حقوقی يك ماده هست که چنانچه مدعی دعوی را تعقیب نکند میتواند مدعی علیه بمحکمه اظهار کند و محکمه عرض حال را رد و کلیه خسارات او را هم تأمین کند. چون در این ماده در این مورد مصرح است که دعوی توقیف میباشد بنده مخالف هستم و اگر آقای وزیر عدلیه موافقت کنند که با همان ترتیبی که در قانون اصول محاکمات حقوقی هم هست اگر مدعی حاضر نشد حکم خودش را معین کند مدعی علیه بتواند مطالبه خسارت نماید باین ترتیب دیگری ماده نوشته شود که حکم مدعی هم همانطوری که برای مدعی علیه معین شده است از طرف محکمه معین شود و دعوی قطع شود خیلی بهتر است و الا با این حال دارائی طرف متزلزل خواهد شد و ممکن است همینطور چهل، پنجاه سال با این حال باقی ماند. این است که بنده تقاضا دارم که يك تکلیفی برای این مسئله معین شود که همانطور که برای آن طرف

محکمه حکم معین میکند برای این طرف هم معین کند مخبر - مطلبی را که آقای بیات در نظر آوردند که در قانون اصول محاکمات هست که چنانچه مدعی حاضر نشود...

بیات - بلندتر

مخبر - عرض کردم مطلبی را که فرمودید در قانون اصول محاکمات هست که اگر مدعی حاضر نشود مدعی علیه می تواند به محکمه اظهار کند و تقاضای خسارت کند این مسئله اختصاص به موقعی دارد که محاکمه شده است و در بین دعوی مدعی تعقیب نکرده است و يك دلائلی دارد که نمیتوانیم مفصلاً در این جا عرض کنیم ولی عرض می کنم مدعی علیه حاضر شد و محاکمه کرد و در بین محاکمه مدعی تعقیب نکرد البته باید تکلیف مدعی علیه معین شود یا اگر خسارتی متوجه او شده است جبران شود ولی مسئله تقاضای حکمیت بایستی در جلسه اول بعمل آید و محاکمه هم نشده است در این صورت نمیتوان مدعی را مجبور نمود که بر علیه دیگری اقامه دعوی کند ولی اینکه فرمودید محکمه از طرف مدعی هم حکم معین کند. ابهامه در نتیجه تدقیقات زیادن که شده مطابق اصول است زیرا محکمه در مورد احقاق حق مدعی نمی تواند يك حکم معین کند و باید خود مدعی احقاق حق خودش را بکند باین جهت محکمه قرار توقیف دعوی را میدهد و اگر او علاقه مند باشد به دعوی خودش حکم را معین میکند بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

مرضی قلیخان بیات - بنده مخالفم.

رئیس - بفرمائید

مرضی قلیخان بیات - این جوانی که آقای شریعت زاده اظهار فرمودند بنده را قانع نکرد و برای اینکه بنده جوانی عرض کرده باشم استدعا دارم که مذاکرات کافی نشود و بنده دلائل خودم را عرض کنم بعد مذاکرات کافی شود.

رئیس -- رأی گرفته میشود بکفایت مذاکرات آقایانی که کفایت مذاکرات را تصویب میکنند قیام فرمایند (عده کمی برخاستند)

رئیس -- تصویب نشد. آقایان دادگر

دادگر -- موافقم

رئیس -- آقای ملک مدنی

ملک مدنی -- عرض بنده هم راجع به قسمتی بود که آقای بیات اظهار فرمودند و بنظر بنده این جوابی را که آقای شریعت زاده دادند مقنع نبود برای اینکه يك کسی می آید و اقامه دعوی میکند و طرف تقاضای حکمیت که میکنند آنوقت مدعی حکم خودش را معین نمیکند و دعوی توقیف مینماید و این توقیف سبب میشود که آن ملکی که نسبت به آن اقامه دعوی شده متزلزل میشود و بعقیده بنده هم باید در این ماده تصریح شود که اسباب اشکال در جریان نباشد

مخبر -- بنده برای جلب موافقت آقایان عرض میکنم که بموجب قوانین حکمیت دنیا هیچکس حق ندارد بجای مدعی در يك دعوائی حکم معین کند و بجای او اقامه دعوی کند مگر اینکه مدعی سفیه باشد التفات فرمودید آقایان وقتی که مدعی ترك دعوی کرد هیچ قانونی در دنیا وجود ندارد که او را مجبور کنند که برود دعوی کند از نظر قوانین شرعی هم همینطور است دعوائی عرفی هم همینطور است بنا بر این خوب است که آقایان موافقت کنند که مذاکرات کافی شود و این ماده تصویب شود  
رئیس -- آقای حاج آقا رضا (رفیع)

حاج آقا رضا (رفیع) -- آقای شریعت زاده باید فکر فرمایند که جهت اینکه این لایحه به مجلس شورای ملی آمد برای این بود که دعوی بکلی قطع شود پس ما باید این مواد را طوری تنظیم کنیم که رعایت حال عامه بشود و يك کسی توی خانه اش ننشیند و فکر کند که من میروم مدعی فلانکس میشوم و اگر

طرف هم تقاضای حکمیت کرد حکم را معین نکنند پس باید يك کاری کرد که کسی از دست دیگری بی ربط عارض نشود و بفهمد که مملکت يك قانونی دارد و نمیتواند بی جهت کسی متعرض دیگری بشود پس بنده عقیده ام این است که يك ترتیبی معین شود که دیگر این قضایا پیش نیاید و معین شود که در ظرف دو ماه مکلف باشد حکم خود را معلوم کند و اگر معین نکرد محکمه مکلف باشد عدم حق آن مدعی را اعلان کند که مردم راحت شوند و اگر این مدتی را که عرض کردم کافی نیست وقت را زیاده تر کنید و الا اگر این ترتیب نشود باز سه ماه دیگر دلش میخواهد برود عارض شود و باز اگر حکم معین نکرده شش ماه دیگر باز برود عارض می شود و اینکار همیشه همینطور هست و اسباب زحمت مردم خواهد شد و بنده پیشنهاد کردم تا دو ماه

وزیر عدلیه -- عرض کنم که بنده خیلی متأسف هستم که يك اصول مسلمی را ما از شدت علاقه مندی که به يك کاری داریم توجه نمیکنیم اولاً مسئله دعوی اینطور نیست که فوراً يك ملک را متزلزل کند و اقامه دعوی حتماً دلیل بر حقانیت آن کسی که اقامه دعوی کرده است اگر يك کسی آمد و اقامه دعوی کرد و بعد حاضر نشد اگر شما در يك جای عالم در گذشته و حال پیدا کردید يك قاعده يك قانونی يك اصلی که آمده باشند که بگویند بعضی اینکه شما عرض حال دادید شمارا میاورند و مجبور میکنند و با يك عبارت خیلی عوامانه بایس کردنی که حتماً باید قبول کنی و دعوی را تعقیب کنی بنده هم باشما موافقت میکنم ولی این کار را نباید کرد و نخواهد شد و این فرمایشی که میفرمائید يك ترتیبی است که برخلاف تمام اصول است

رئیس -- آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب -- موافقم خیلی هم موافقم

رئیس -- آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی -- بنده میترسم این قانون که بمجلس آمده است عوض این که اسباب ترفیه حال مردم شود

اسباب اشکال شود. اولاً آمده اند در اینجا نوشته اند که اختیار تقاضای حکمیت با یکطرف است و با این ترتیب ممکن است يك طرف وقتی دید در محکمه دارد محکوم میشود تقاضای حکمیت بکند و با این ترتیب محاکمه خانه پیدا نمیکند و بنده عقیده ام این است حکمیت به رضایت طرفین باشد چه در ابتدائی و چه در استیناف و چه در تمیز. حالا باز هم بطوریکه آقای عراقی فرمودند مطالعه نکرده چون این حرفها زود به بنده می چسبد می خواهند بفرمایند بفرمایند ولی بنده عقیده ام این است به رضایت طرفین باشد و الا اگر این حق را به یکطرف بدهند اسباب زحمت خواهد شد این عقیده بنده بود دیگر آقایان مختارند

رئیس آقای دادگر

دادگر -- عرضی ندارم

رئیس -- آقای احتشامزاده

احتشام زاده -- نماینده محترم باید تصدیق فرمایند که اگر بنا باشد حکمیت را به رضایت طرفین بگذارند مدعی علیه برای اینکه محاکمه بر علیه او خانه پیدا نکند ممکن است برای حکمیت رضایت ندهد و بعقیده بنده باید این حق را برای یکطرف قائل شد. البته اگر برای طرفین تراضی حاصل شد که خیلی خوب و اگر حاصل نشد برای تسریع خانه محاکمه باید این حق را برای یکطرف قائل شد که زود تر خانه پیدا کنند بعضی از نمایندگان مذاکرات کافی است

رئیس -- پیشنهادهای قرائت میشود.

(بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میشود آخر ماده دوم اینطور اصلاح شود هرگاه تقاضای حکمیت از طرف مدعی علیه بشود و مدعی امتناع نماید دعوی ساقط خواهد شد دکتر طاهری

رئیس -- آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری -- نظر به اینکه منظور از حکمیت

در محاکمه برای قطع و فصل دعوی است و بطوریکه در این ماده نوشته شده است دعوی از بین نبرود. می نویسد: هرگاه تقاضای حکمیت از طرف مدعی بشود مدعی امتناع نماید دعوی توقیف خواهد شد تا مدعی حکم خود معین نماید تا کی؟ معلوم نیست. يك شخصی میآید ادعا میکند و مراجعه میشود بحکم مدعی قبول نمیکند نامدنی برای این کار معین نشود دعوا همینطور می ماند و ملك متزلزل می شود و در نتیجه هم دعوی توقیف میشود و قطع و فصل نمیشود باید يك مدتی برای او قائل شوند که اگر تا یکماه ده روز نیست و روز حاضر نشد دعوی ساقط شود و دیگر حق نداشته باشد از این پیشنهاد را کردم که يك مدتی برایش معین شود که بعد از آن مدت اگر مدعی حکم معین نکرد دیگر حق نداشته باشد و دعوی ساقط شود.

وزیر عدلیه -- یکمرتبه دیگر خوانده شود

(بشرح سابق خوانده شد)

وزیر عدلیه -- اسقاط دعوی باین معنی که دیگر آن شخص نتواند ادعا بکند این حرف قابل قبول نیست حق بکنفر را نمیشود ازس ساقط کرد اگر آقا هم موافقت فرمایند يك پیشنهاد دیگری شده است که بنده هم دیده ام که اگر مدعی علیه تقاضای حکمیت کرد و مدعی حکم خودش را معین نکرد پس از سه ماه محکمه قرار رد دعوی را بدهد و بنده هم با این پیشنهاد موافقم.

دکتر طاهری -- من هم با این پیشنهاد موافقت می کنم.

رئیس -- پیشنهاد آقای رفیع

(بشرح ذیل خوانده شد)

در ماده دوم اضافه شود پس از کلام معین نماید در ظرف دو ماه معین کند و الا محکمه عدم صلاحیت رسیدگی خودرا اعلان نماید.

حاج آقا رضا و رفیع به اسکر آقای بیات در

۹

پیشنهادشان دو ماه را قبول کنند بنده هم با پیشنهاد موافقم.

رئیس - پیشنهاد آقای مرآضی قلیخان بیات (مضمون ذیل فرائد شد)

ماده دوم - هرگاه تقاضای حکمیت از طرف مدعی بشود و مدعی علیه در موعد مقرر تعیین حکم نماید محکمه از طرف متنع حکم او و هم چنین حکم ثالث را به قرعه مطابق ماده تعیین خواهد کرد. هرگاه تقاضای حکمیت از طرف مدعی علیه بشود و مدعی امتناع نماید دعوی توقیف و چنانچه تا سه ماه مدعی حکم خود را معین نماید محکمه قرار رد عرضحال را صادر خواهد نمود

مرآضی قلیخان بیات - بنده توضیحی که لازم بود دادم آقای وزیر عدلیه هم قبول فرمودند چون بعضی از آقایان نظر دارند دو ماه باشد بنده هم دو ماه را قبول میکنم و کما میگویم کافی باشد

وزیر عدلیه - ممکن است در آخر آن اضافه شود که قرار رد عرضحال را خواهد داد و این قرار قابل استیناف و تمیز نیست بنده هم این را قبول میکنم

رئیس - پیشنهاد آقای فیروز آبادی (به این طریق خوانده شد)

پیشنهاد میکنم که هرگاه تقاضای حکمیت از طرف مدعی علیه بشود و مدعی حاضر به تعیین حکم نشود تا دو ماه حق مدعی ساقط میشود در عدلیه

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - عرض کنم اولاً عقیده‌ام این بود حکمیت به تراضی طرفین باشد آن رد شد حالا پیشنهاد کردم که اگر مدعی علیه که صاحب حق است یعنی حق بر اوست تقاضای حکمیت کرد مدعی با دو ماه حکم خود را معین کند و اگر معین نکرد چون خودش تقصیر کرده است و حکم معین نکرده است حق محاکمه

در عدلیه نداشته باشد

رئیس - آقای عرقی

عراقی - متأسفانه آقای فیروز آبادی فرمودند که بنده گفتم مطالعه فرموده‌اند حالا تصور میکنم که این پیشنهادی را که آقای بیات دادند شاید استماع فرموده باشند نوشته شده است رد عرضحال میشود وقتی مدعی حکم خودش را معین نکرد آنوقت محکمه رد عرض حال را اعلان میکند و اینقرار قابل استیناف و تمیز هم نیست

فیروز آبادی - مقصود بنده حاصل شد مسترد میدارم

رئیس - پیشنهاد آقای عدل

(اینطور خوانده شد)

پیشنهاد میکنم که در آخر ماده اضافه شود و هرگاه در ظرف مدت دو ماه تعقیب نکرد عرض حال را ابطال و بر حسب تقاضای مدعی علیه مدعی را بخسارت وارده بمدعی علیه محکوم میباشد.

رئیس - آقای عدل

عدل - و هرگاه در ظرف مدت دو ماه تعقیب نکرد عرض حال را ابطال و بر حسب تقاضای مدعی علیه مدعی را بخسارت وارده بمدعی علیه محکوم میباشد (اولاً آن لفظ رد که مذاکره میشد عرضحال را در موقعی رد میکنند که عرضحال نواقصی داشته باشد و الا يك عرضحالی که نواقصی نداشته باشد رد نمیکند.

دوم اینکه ممکن است بنده با يك کسی عرض داشته باشم و يك مدتی او را معطل کنم در این محکمه و آن محکمه و بعد که رجوع بحکمیت شد بگذارم برود. باید يك کاری کرد که کلیه جلوگیری از غرض رانی و عرضحال های بی موقع بشود در اینصورت بهتر این است اینطور نوشته شود که اگر مدعی حکم خود را معین نکرد و فرار کرد از تعیین حکم آنوقت آن عرضحال را محکمه ابطال کند و خسارات وارده به مدعی علیه را هم از او بگیرند این

عقیده بنده است حالا دیگر بسته بنظر آقایان محترم است

مخبر - بنظر بنده این يك پیشنهاد غیر لازمی است زیرا مطابق اصول محاکمات بعد از قرار عرضحال با صدور حکم رسمی هر خسارتی که بطرفین دعوی متوجه شود آن طرف محکوم مسئول است و در هر حال يك چیز مسامحه را ما اینجا می خواهیم بکنیم در صورتیکه این مسئله در قوانین دیگری نامین شده است

عدل - بعد از این توضیح که دادند بنده مسترد داشتم جز اینکه عقیده دارم رد تبدیل به ابطال شود

وزیر عدلیه - خیر همین رد بهتر است پیشنهاد آقای بیات را دو مرتبه میخوانم ماده دوم هرگاه تقاضای حکمیت از طرف مدعی بشود و مدعی علیه در موعد مقرر تعیین حکم نماید محکمه از طرف متنع حکم او و هم چنین حکم ثالث را به قرعه مطابق ماده چهار تعیین خواهد کرد و هرگاه تقاضای حکمیت از طرف مدعی علیه بشود و مدعی امتناع نماید دعوی توقیف و چنانچه تا دو ماه مدعی حکم خود را معین نماید محکمه قرار رد عرضحال را صادر خواهد نمود و این قرار قابل استیناف و تمیز نیست

مخبر - بنده این پیشنهاد را قبول میکنم وزیر عدلیه - بنده هم قبول میکنم

رئیس - رای گرفته میشود به ماده دوم آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند

اغلب قیام نمودند

رئیس - تصویب شد ماده سوم

(شرح آتی خوانده شد)

ماده سوم - محکمه در محاکمات عادی بعد از وصول اولین جواب کتبی مدعی علیه و در محاکمات اختصاری بعد از استماع جواب مدعی علیه در اولین جلسه قرار حکمیت صادر کرده ولی قبل از صدور قرار حکمیت باید به ایرادات مدعی علیه رسیدگی کرده قرار رد یا

قبول ابراد را بدهد این قرار قابل استیناف و تمیز است هرگاه پس از رای محاکم عالی یا بواسطه انقضای مدت استیناف و تمیز قابل استماع بودن دعوی و صلاحیت محکمه و متداعیین محرز شد محکمه قرار ارجاع حکمیت خواهد داد این قرار قابل استیناف و تمیز نیست

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - اینجا محاکماتی که دارد میشود در عدلیه نسبت بدعوی که مطرح میشود افسام دارد. یکی از دعوی دعوی ائمه است که در قانون محاکمات عمومی است که نوشته شده است باید بمحاکم شرع رجوع شود از قبیل دعوی نسبت بتولیت و غیره دوازده جا است که مصرح است باید بمحاکم شرع رجوع شود. در اینجا خواستم آقای وزیر عدلیه با آقای مخبر نسبت بان دوازده جا که باید بمحاضر شرع رجوع شود توضیح بدهند که بنده قانع شوم

وزیر عدلیه - این جا آقای افسر هم این مسئله را از بنده سؤال می کردند و بنده حالا جواب هر دو آقایان را میدهم. اولاً مسئله صلاحیت محکمه باید معلوم شود که عدلیه باید این کار را رسیدگی کند یا بفرستد به محکمه شرع در صورتیکه معلوم شد عدلیه صلاحیت رسیدگی را دارد آنوقت رجوع میکنند به حکمیت و این مسلم است که قضیه نکاح و موارد دیگر که باید به محاضر شرع رجوع شود همانطور خواهد شد

رئیس - آقای دادگر

دادگر - بنده موافقم

رئیس - آقای بامداد

بامداد - بنده در ماده اول اجازه گرفته بودم که عرض را بکنم نوبت به بنده نرسید حالا هم به ملاحظه این جمله در اولین جلسه فرار حکمیت صادر خواهد شد عرض میکنم نظر این قانون و لایحه به چیست ؟

به این است که مردم در دعاوی خودشان گرفتار طول محاکمه و این همه خرج و اتلاف وقت نشود ولی در ماده اول قید کرده است بشرط اینکه در اولین جلسه یکی از دو طرف مدعی علیه یا مدعی تقاضا نماید در صورتیکه در جلسه اول هر دو عصبانی و اوقاتشان تلخ است و هیچ معلوم نیست ترتیبشان از چه قرار است و شاید هر کدام انکاء به اسناد خودشان داشته باشند پس خوب بود که يك مندوحه قرار میدادند که از جلسه اول بگذرد و يك قدری آنها از حال عصبانیت خارج شوند آنوقت حاضر میشوند برای حکمیت بنا بر این این قید در ماده اول که در اولین جلسه تقاضای حکمیت کنند روح این قانون را از بین میبرد و دیگر هیچ موضوعی برای حکمیت باقی نمی ماند برای اینکه همانطور که عرض کردم دو نفر یا به لجاج یا بکنفسر میخواهد حق دیگری را از بین برد و او خودش را حاضر کرده است که با يك وسائلی و اسلحه حق دیگری را بخورد اینجا قید میکند که اگر در اولین جلسه خواستند بسیار خوب و الا این حق ساقط نمیشود. این است که بنده عرض میکنم با این قیدی که اینجا میشود که بشرط اینکه تا آخر جلسه اول تقاضای حکمیت بعمل بیاید و اگر اینطور نشد دیگر حق حکمیت ندارد با این ترتیب این قانون عملی نخواهد شد و دیگر موضوعی برای حکمیت نخواهد بود و مرافعه از استیناف و تمیز و غیره و همه این ترتیباتش خواهد ماند این است که با قید اولین جلسه مخالفم

وزیر عدلیه - عرض کنم اساساً لایحه حکمیت دو موضوع اساسی را خداسه است و نظر بگیرد بکسی تسریع محاکمه که به سرعت بگذرد و یکی دیگر اینکه تمام جهات انصاف در نظر گرفته شده باشد و از این نظر فکر شد که اگر قرار بگذاریم در هر مرحله از مراحل بتوانند حکمیت را تقاضا کنند (مگر بتراضی که آن اهمیتی ندارد و ممکن است ولی در غیر موقع تراضی علاوه بر اینکه موجب تسریع کار نمیشود

ممکن است بعث بطوء کار هم بشود چرا؟ برای اینکه يك کسی می آید در محکمه ابتدائی محکوم می شود میرود به استیناف مدتها هم در آنجا طرف را معطل میشود و همینطور در مرحله تمیز در صورتیکه ما میخواستیم در درجه اول تسریع شده باشد بنا بر این هر کس میل دارد زودتر محاکمه اش بگذرد در همان جلسه اول تقاضا میکند. اما اینکه فرمودند اوقاتشان تلخ است آقای باعداد تصور می فرمایند که مدعی و مدعی علیه می آیند و بابك چشم های خیلی برافروخته بهم نگاه می کنند و تقریباً دست بپقه همان معنی فارسی میشوند در صورتیکه این طور نیست خوش بختانه یا بد بختانه از آن روزی که عرض حال می دهند تا آن روزیکه شروع محاکمه میشود بواسطه زیادی کارها مدتی طول میکشد و بعد هم خوش بختانه یا بد بختانه و کلای طرفین حاضر میشوند و آن قدر حرارت در بین آنها نیست که بخوانند نوی سر همزنند. بنا بر این بنده تصور میکنم خوب است موافقت فرمایند همین ترتیب باشد و اگر ما آزمایش و تجربه کردیم و دیدیم باید يك اصلاحاتی بشود آنوقت ممکن است يك پیشنهاد های دیگری بشود

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - رأی میگیریم بماده سوم آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند

(اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد ماده چهارم

(شرح ذیل خوانده شد)

ماده چهارم - ممکن است طرفین بکنفر را به تراضی برای حکمیت انتخاب کنند و ممکن است هر کدام يك حکم معین کرده و حکم ثالث را به تراضی تعیین نمایند هرگاه در تعیین حکم ثالث تراضی نشود محکمه در جلسه که برای تعیین حکم و تنظیم حکم نامه مقرر داشته با حضور متداعیین از بین عدّه که کمتر از سه نفر نباشد و محکمه آنها را نسبت بسنخ دعوی بصیر و خیر بداند حکم

ثالث را بقرعه معین خواهد کرد

تبصره - صورت اسامی این اشخاص سه روز قبل از جلسه باید بطرفین داده شود

رئیس - آقای دادگر

دادگر - عرض کنم که خود آقای وزیر عدلیه میدانند که اینک مراحل مختلفه برای قضاوت گذاشته اند ابتدائی و استیناف و تمیز برای این است که اگر يك کسی در یکی از این مراحل مظلوم واقع شود در يك جای دیگر اصلاح کند و این برای ارفق بآن کسی است که اتفاقاً مظلوم واقع میشود و بالاخره حکمیت را هم میخواهند بر خلاف این مقصود معین کنند منظور از حکمیت هم همین است که همین منظور باشد ولی طرفین به سرعت بمقصود برسند اینجا يك اشکالی بنظر بنده رسیده و بنظر خود من این اشکال وارد است و آن این است که بر فرض اینکه طرفین در حکم مشترك تراضی پیدا نکنند محکمه سه نفر را پیشنهاد میکنند و اگر آنها توافق پیدا نکنند از بین آن سه نفر یکی را محکمه بقرعه انتخاب میاید اتفاقاً استیناف و تمیز هم برای این معین نشده است اگر يك قاضی ارتباط های صوری را که ماده پنج آنها را ضمانت کرده آنها را هم کنار گذاشت و از ارتباط های معنوی فایده برد یعنی یکی از ارتباط دعوی حس کرد که این سه نفر حکم با طرف يك ارتباط های معنوی دارند...

مدرس - ماده علیحده دارد.

دادگر - بلی ماده پنج اشخاصی را که دارای روابط هستند در دعوی ذي نفع هستند بالاخره آنها را از بودن حکم مشترك محروم میکند. اگر ماده پنج منظور آقای مدرس است که آن ماده منظور بنده را نامین نمیکند و مربوط بارتباطات صوری است ولی گاهی میشود روی خبرویت شخصی یا باطن اشخاص را به متداعیین عرضه بدارند که هیچیک از این شرایط را

نداشته باشند ولی یکی از متداعیین ارتباط قلبی داشته باشند بنا بر این اگر يك کسی در مقابل يك چنین امری واقع شد استیناف که نمیتواند بدهد و خودتقاضای حکمیت هم مطابق ماده که الان گذشت قابل استیناف و تمیز نیست بنده میخواستم ببینم برای يك چنین کسی که در مقابل چنین وضعیتی واقع شد چه دور اندیشی شده است و آقای وزیر عدلیه چه فکری کرده اند. باز دو مرتبه عرض خودم را عرض میکنم که بالاخره اگر این طرفین در حکم مشترك تراضی پیدا نشود سه نفر را که قاضی عرضه میکند متداعیین که بالاخره یکی از آنها بقرعه معین کند یکی از متداعیین حس میکند که این سه نفر ارتباط قلبی به آن شخص دارند صورتاً هم هیچ ارتباط ظاهری ندارند چه قیدی هست که از او حمایت کند و بنده این مسئله را خیلی مملن میدانم و نمیخواهم مبنای فکر ما روی سوء ظن باشد و بالاخره باید به حمایت و مصالح ارتباط دعوی فکری کرد مگر اینکه در وزارت عدلیه يك اشخاص ممتاز شده باشند که بر فرض اگر یکی از قضاة هم بخواند اعمال نظر کند نتواند یعنی يك اشخاص معددی باشند و الا بنده عرض میکنم بسیار اتفاق میافتد و ما این را تجربه داریم و خیلی از ماها در نظر داریم که يك وقت يك قاضی پیدا شده است که حکم غلط داده است در حالتیکه مؤل بوده است در اینجا هم ممکن است سه نفر را که ملائم و متناسب با دعوی میدانند معرفی نمایند و حکم معهود را هم از بین آنها بگیرد در صورتیکه هیچ مسؤلیت هم ندارد و جز معرفی سه نفر کار دیگری نکرده است. بنده از آقای وزیر عدلیه سؤال میکنم برای چنین فرضی چه مال اندیشی کرده اند؟ و اگر چاره جوئی شده است بفرمایند که ما هم مستحضر شویم؟

وزیر عدلیه - عرض کنم اشکال کار حکمیت تمام در همین قسمت است. اگر طرفین دعوی تراضی بکنند در يك شخص که دیگر اشکالی باقی نمی ماند ولی همیشه در هر



دعوائی (همیشه که عرض کنم خیلی اغراق است ولی در اغلب موارد) یکی از طرفین دعوی هست که بی ربط حرف میزند یا مدعی یا مدعی علیه که می خواهند کار را معطل بگذارند و طرف را اذیت کنند البته او نباید موافقت کند با حکمیت یعنی با يك چیزیکه موجب تسریع می شود شما هم که می آید او را در آن عمل الزام می کنید آن وقت در آن حکم ناک نراضی نمیکنند اگر نراضی را شما شرط قرار بدهید همین وسیله يك قانون بایک مواد و تبصره هائی که شما باسلام و صلوات از مجلس گذرانده اید نتیجه اش از بین می رود و هر کس بخواهد دعوی را طول بدهد از این راه استفاده می نماید و بمقصود خودش می رسد پس از این که گذشتیم اگر طرفین نراضی حاصل نکرند چه باید کرد؟ پس از مذاکرات و مشاورات زیاد در کمیسیون بالاخره آنها راهیکه بنظر رسید همین راه بود البته در عمل قاضی باید سعی کند که بلکه طرفین نراضی کنند و اگر نشد بالاخره معطل که نباید شد آنوقت گفتیم سه نفر را معین کنند و از بین آنها یک نفر را به قرعه انتخاب کنند در اینجا برای جلوگیری از آن تکرانی ها تا حدی يك پیش بینی هائی شده است . اشخاصی که منسوب با یکی از متداعیین باشند یا وارث آنها باشند آنها از حکم شدن ممنوع هستند و بعضی از این قبیل پیش بینی ها شده است بعلاوه يك تجدید نظری هم قرار داده است آن وقت میفرمائید با این پیش بینی ها ممکن است يك اتفاق سوئی رخ دهد . . .

مدرس - خدا عالم است .

وزیر عدلیه - بقول آقای مدرس خدا عالم است در هر حال در این قسمت که فرمودید که ممکن است يك قاضی اعمال نظر سوء بکند بنده از آقا میخواهم فقط جنبه اعتراض را نگیرند ولی يك پیشنهادی بفرمایند اگر این تکرانی ها که فرمودند بوسیله آن پیشنهاد مرتفع میشد البته ما هم موافقت میکنیم ولی متاسفم

که زحمت زیادی بخودتان خواهید داد و همچو راهی پیدا نخواهید کرد

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده يك اصلاح عبارتی خواستم عرض کنم . اولاً خدمت آقای دادگر خواستم عرض کنم که اینکه فرمودید صحیح است ولی فرد نادر را نمیشود محل ایراد قرار داد تمام کار ها را نمیشود روی فرد نادر قرار داد اما راجع بعبارت تبصره خوب است آقای مخبر توجه بفرمایند این عبارت ( صورت اسامی این اشخاص ) یک قدری بعقیده بنده موهون است . این اشخاص اشاره است و مشاعر الیه معین نیست باید اینطور باشد ( صورت اسامی اشخاصی که قابل این کار هستند )

رئیس - آقای بامداد

بامداد - عرض کنم بعقیده بنده اگر این لایحه باید قبول شود عاجی ندارد که این ماده را باید بپذیریم الزام به شیئی همطوریکه آقای وزیر عدلیه اظهار کردند در مورد تعلل جز اجبار هیچ چاره نیست اما فرمایش آقای آقا سید یعقوب البته يك اصلاح عبارتی است . يك موصولی لازم دارد که وصل کند عبارت را بد نیست پیشنهاد کنید

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی

رئیس - پیشنهاد ها قرائت میشود . پیشنهاد آقای تقی زاده

(شرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم در ماده چهارم بجای عبارت از بین عدله که کمتر از سه نفر نباشد نوشته شود از بین عدله از اتباع ایران که کمتر از سه نفر نباشد

رئیس - آقای تقی زاده

تقی زاده این قانون حکمیت در واقع يك حکمیت اجباری است یعنی اگر بتراضی طرفین حکمیت واقع شد آن مسئله دیگری است ولی ما در اینجا تراضی را

از اصل حکمیت سلب میکنیم و بعد هم مجبور میکنیم که حکم تعیین کند آنوقت در حکم ناک هم باز حق نراضی را از آنها سلب میکنیم و به محکمه حق میدهم که خودش حکم ناک معین کند این در واقع در حکم ایجاد يك محکمه قانونی است که حکومت قانونی باو داده میشود که خود دولت باو میدهد . در اینجا هر يك از متداعیین که تبعه خارجه باشد میتواند يك نفر از اتباع خارجه مثلاً قواسم خود را حکم معین کند و اگر طرف دیگر هم یکی از اتباع خارجه را معین کند باز عیبی ندارد اما وقتی که طرفین معین شدند و دولت میخواهد حکم معین کند عقیده بنده این است که این حکم ناک قطعاً باید ایرانی باشد والا ایجاد يك محکمه مختلطه میشود تقریباً مثل محاکم مختلطه مصر

مدرس - صحیح است

وزیر عدلیه - در حکم ناک بنده این شرط را قبول میکنم که ایرانی باشد

مخبر - بنده هم قبول میکنم

رئیس - فقط نوشته شود حکم ناک باید ایرانی باشد ؟

تقی زاده - فقط يك کلمه ( از اتباع ایران ) اضافه کند .

وزیر عدلیه - اجازه فرمائید بنده اساساً موافق هستم ولی در ماده شش بهتر خواهد بجهت اینکه در ماده شش میگوید : کسانی بوسیله قرعه میتوانند حکم شوند که سن آنها بالغ بر سی سال شمسی شده در مقرر محکمه حضور داشته و طرفین قبل از قرعه دررد آنها متفق نباشند

مدرس - خیر اینجا باشد بهتر است

وزیر - عدلیه - بسیار خوب همینجا بگذارند فرق نمیکند . عبارت را بخوانند

(ماده چهارم بشرح سابق خوانده شد)

تقی زاده - بنده پیش از اینهم همانطور فکر کرده بودم که در ماده شش باشد تقریباً هیچ فرقی ندارد ولی درست دقت کردم دیدم در این ماده بهتر است .

وزیر عدلیه - خیلی خوب بگذارید از بین عدله از اتباع ایران که کمتر از سه نفر نباشد .

رئیس - پیشنهاد آقای بیات ( بشرح ذیل خوانده شد )

در ماده چهارم میکنم که بجای سه نفر پنج نفر معین شود

رئیس - آقای بیات

بیات - بنده از همان نقطه نظری که آقای دادگر اظهار فرمودند این پیشنهاد را کردم چون قرعه که کشیده شد بکنفر معین میشود البته اگر توسعه در این عدله داده شود آن نظری را که آقای دادگر اظهار فرمودند شاید محفوظ تر باشد ممکن است سه نفر اشخاصی در يك محل باشند که با يك طرف مربوط باشند ولی البته يك قدری وسعت پیدا کرد این نظر کمتر بخيال میآید و بعقیده بنده پنج نفر بهتر است

وزیر عدلیه - برای اینکه يك قدری جلو گیری از بعضی تکرانیها بشود ( البته هر چه عدله زیاد هم باشد بهتر است ) و پنج نفر هم قابل قبول است قبول می کنم .

رئیس - پیشنهاد آقای کازررنی (بشرح آتی قرائت شد)

ماده چهارم را بقرار ذیل پیشنهاد میکنم ممکن است طرفین يك نفر را بتراضی برای حکمیت انتخاب کنند و ممکن است هر کدام يك حکم معین کرده و حکم ناک را به تراضی تعیین نمایند هرگاه تعیین حکم ناک به تراضی نشود هر يك از متداعیین باید اسامی دو نفر را نوشته تقدیم محکمه نمایند و محکمه با حضور متداعیین يك نفر از آنها را بحکم قرعه معین خواهد کرد

کارروئی - چون سه نفر به پنج نفر مبدل شد بنده پیشنهاد خود را مسترد میندارم

رئیس - پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب (باین ترتیب خوانده شد)

پیشنهاد میکنم در تبصره نوشته شود: صورت اسامی اشخاصی که قرعه گذارده خواهد شد الی آخر وزیر عدلیه - بنده موافقم توضیح لازم ندارم

رئیس - پیشنهاد آقای دادگر

(باین مضمون قرائت شد)

پیشنهاد میکنم در ماده افزوده شود از با حضور متداعین سه نفر از این عده که قبلا از طرف وزارت عدلیه معرفی باین سمت شده اند حکم نالت بحکم قرعه معین خواهد گشت

رئیس - آقای دادگر

دادگر - اینجا از طرف بنده آقای بیات اظهار معتقدی کردند که بنده هم اطمینانا بایشان برای تسهیل کار و از فقا به آقای وزیر عدلیه پیشنهاد خودم را پس میگیرم

وزیر عدلیه - خیلی متشکرم.

رئیس - رای گرفته میشود بماده چهارم...

رفیع - بنده پیشنهاد تجزیه میکنم

رئیس - آقای حاج آقا رضا

حاج آقا رضا رفیع - این پیشنهاد آقای بیات را که قبول شد بعضی آقایان مخالفند و ما گمان میکنیم سه نفر باشد بهتر است تا پنج نفر بنا بر این بنده استدعا میکنم که بطور تجزیه رای گرفته شود که کمتر از سه نفر نباشد زیرا اصل این قانون برای دهات است و مقصود ما از وضع این قانون برای دهات و قری و قصبات است در شهر هشتاد نفر هم ممکن است پیدا شود ولی در ده خود را بکشد بیش از سه نفر نمیتواند پیدا کند. حالا چون پنج نفر پیدا نمیشود باید خودش را بکشد! اینک نمیشود. یکی از

زراع فلان قریه دعوی بک کار دارد برای پنج تومان باید پنج نفر را معین کند و این نمیتواند پس یکی از سه نفر باشد بهتر است برای مردم تا پنج نفر این عقیده بنده است

رئیس - رأی میگیریم بماده چهارم بضمیمه اصلاح پیشنهادی آقای تقی زاده و آقای آقا سید یعقوب بدون پیشنهاد آقای بیات آقابالیکه تصویب میکنند قیام فرمایند

(اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد ماده پنجم

(شرح آن قرائت شد)

ماده ۵ - اشخاص ذیل نمیتوانند حکم نالت شوند مگر بتراضی طرفین و خود آنها نیز باید از قبول حکمیت امتناع نمایند

(ا) کسی که در دعوی مطروحه ذی نفع باشد

(ب) کسیکه شخصا یا زوجه اش با یکی از متداعین قرابت نسبی یا سببی تا درجه سیم دارد

(ج) کسیکه قیم یا کفیل یا مباشر امور یکی از متداعین است یا یکی از متداعین مباشر امور اوست

(د) کسیکه خود یا زوجه اش وارث یکی از متداعین است

(ه) کسیکه با یکی از متداعین یا اشخاصیکه با آنها قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم دارد محاکمه جنائی یا جنحه داشته یا دارد

(و) کسیکه مابین او یا زوجه او یا اقربای نسبی او تا درجه سوم و یکی از متداعین یا زوجه او یا اقربای نسبی تا درجه سوم دعوی حقوقی مطرح است

تبصره - امتناع فوق الذکر ورد از طرف متداعین باید از طرف حکم قبل از قبول حکمیت و از طرف متداعین قبل از قرعه به عمل آید مگر این که علت رد و امتناع پس از قرعه و قبل از صدور رای حکمیت ایجاد گردد

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - آقا سید یعقوب اینجا قانون حکمیت را که ما مینویسیم وزیر عدلیه را مامور اجرای آن

میکنیم گرچه وزیر عدلیه مامور اجرای آن است که در اداره و حوزه خودش این کار را بکند

بنده خواستم راجع باین عبارت که اشخاص ذیل نمیتوانند حکم نالت بشوند مگر بتراضی طرفین و خود آنها نیز باید از قبول حکمیت امتناع نمایند این عبارت آخر را

که (باید از قبول حکمیت امتناع نمایند) خواستم پیشنهاد حذف بکنم. ما اینجا باید آن چیزی را که تکلیف

وزارتخانه است بنویسیم ما این قانون را مینویسیم میدهیم بدست وزیر عدلیه که برود محاکم را وادار کند بعمل کردن آن

ولی این را باید بیک نوعی معین کنیم که کاهلا قابل اجرا باشد و اسباب زحمت نباشد این یک مسئله است

عقیده بنده این است که این عبارت زاید است حالا در تبصره هم بیک ایرداتی دارم که پیشنهاد میکنم و در پیشنهاد عرض میکنم.

وزیر عدلیه اینجا بیک عبارتی دارد اگر توجه فرمایند موافقت میکنند. بیک شرایطی را معین کرده است که

سلب حکمیت میکند و آن مواردی است که ذکر شده است اگر نسبت داشته باشد اگر در دعوی منافی داشته باشد

الی آخر اشخاصی را که محکمه معین میکند وقتی میخواهد قرعه بکشد ممکن است مطلع نباشد اگر مطلع بشود البته

معین نخواهد کرد. یا اگر یکی از طرفین گفت البته معین نخواهد کرد ولی در صورتیکه محکمه اطلاع نداشته

باشد و معین کند حالا که میروند پیش حکم که خودار میداند یکی از اقربای نزدیکش دعوائی دارد بیک کسی و

برای آن دعوی او را به حکمیت معین کرده اند همانطوریکه در اغلب محاکم عدلیه الان هم معمول است در این موارد

خود آن طرف مجبور است امتناع کند چون این یک اطلاعی است برای خود او تنها ولی اگر ما این تکلیف را معین

نکنیم شخص حکم میتواند بگوید من چون دیدم مرا معین کردند اینطور خیال کردم که شاید طرفین تراضی

کرده اند یا آن طرف یا اینکه میدانست من یا اینطرف منسوب راضی بوده و آنوقت اشکال پیدا میشود

رئیس - آقای ضیاء

ضیاء - عرض بنده هم در همین قسمتی بود که آقای آقا سید یعقوب اشاره کردند و بنظر بنده وافی نبود.

اینجا در اول ماده پنجم ذکر شده است که اشخاص ذیل نمیتوانند حکم نالت بشوند مگر به تراضی طرفین و خود آنها نیز باید از قبول حکمیت امتناع نمایند.

مراد از این عبارت چیست؟ اگر مراد اینست که این اشخاص ذکر شده نمیتوانند حکم نالت بشوند و خود آنها هم از قبول باید امتناع نمایند مگر برضایت طرفین

این یک موضوعی است که بنظر بنده آقای وزیر میبایستی درست توضیح بدهند. یا اینکه خیر اشخاص ذیل

نیتوانند حکم نالت بشوند و یا رضایت طرفین می شود ولی خود آن ها نمی توانند قبول بکنند؟ باز

رفع ابهام را نمیکند. اگر چنانچه نظر این بوده است که این اشخاص نمیتوانند حکم نالت بشوند و خودشان هم

از قبول حکمیت باید امتناع کنند ولی برضایت طرفین ممکن است؟ پس بایستی عبارت را اصلاح کرد. اگر عبارت

اینطوری که نوشته شده باشد مبرساند که اشخاص ذیل نمیتوانند حکم نالت بشوند مگر برضایت طرفین و وقتی

هم که رضایت حاصل شد باز خود آنها هم باید از قبول امتناع کنند پس بیشتر باید توضیح بدهند

وزیر عدلیه - عرض کنم این تعبیری است که فرمودید ولی بنده تصور می کنم عبارت را اینطور بشود فهمید.

برای اینکه اینجا نوشته اشخاص ذیل نمیتوانند حکم نالت بشوند مگر بتراضی ذکر شده است؟

ضیاء - بلی

وزیر عدلیه - پس بسیار خوب حالا نمیتواند مگر

بتراضی یعنی در غیر تراضی نمیتواند و باید امتناع کنند

بنده خیال می کنم این واضح است و با این حال تصور

میکم اگر هم واضح نمیدانستند بعد از این توضیح بنده

قانع شده باشید  
بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است  
باسائمی - بنده با کفایت مذاکرات مخالفم  
رئیس - بفرمائید

باسائمی - عرض میشود در اینجاده نوشته شده است اشخاص ذیل حکم نالت نمیتوانند بشوند باید از قبول حکمیت امتناع نمایند در ذیل میگوید. کسی که در دعوی مطروحه ذی نفع باشد. آن وقت مفهوم مخالفش این است که حکم فردی میتواند بشود. یعنی قاضی مدعی میشود. این چیز غریبی است! بنده خواهش میکنم این را توجه بفرمایند و درش صحبت بشود که قاضی و مدعی یکی نشود. چون معنی این ماده این است. کسی که ذی نفع است در دعوی میتواند حکم منفرد باشد این چیز غریبی است! خودش شریک یا صاحب دعوی است شما صریحاً نوشته اید کسی که در دعوی مطروحه ذی نفع باشد نمیتواند حکم نالت بشود و در اینصورت شما شریک یکطرف را حکم قرار داده اید بر علیه کسی دیگر! بنده عقیده ام اینستکه هر سه نفر حکم در موقعیکه ذی نفع باشند باید محروم باشند از حکم شدن و نتوانند حکم بشوند

رئیس - آقای احتشام زاده

احتشام زاده - اشکالی را که نماینده محترم فرمودند بنده تصور میکنم در مورد قضاوت داراست که مدعی نمی تواند قاضی شود. ولی مسئله حکمیت با قضاوت خیلی تفاوت دارد زیرا حکمیت یا بک وضع خاصی تشکیل می شود و هر یک از طرف ها حق دارند هر کس را بخواهند حکم کنند و البته یک اشخاصی را که بک شرایطی را واجد نباشند نمیتوانند حکم قرار بدهند ولی اینکه کسی را که شرکت دارد در دعوی نمیتواند حکم بشود بنده خیال میکنم مورد داشته باشد بعلاوه مسئله این است که بنده کسی را در دعوی من ذی نفع است حکم می

کنم برای طرف هم همینکار ممکن است و او هم معارضه به مثل میکند و از این را رفع نگرانی خواهد شد  
رئیس - رای می گیریم به ماده پنجم . . . .

کازرونی - پیشنهاد دارم

(پیشنهاد خود را نوشته تقدیم نمودند)

رئیس - پیشنهاد آقای کازرونی

(شرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم که جمله خود آنها نیز الی آخر از ماده پنج حذف شود

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - بنده عقیده ام این است که این جمله زاید است لکن ممکن است که بنده ملتفت نشده باشم و بعد از توضیح قانع شوم. بنده عرض میکنم که فرض میکنیم از برای انتخاب کنندگان و انتخاب شونده شرایطی را معین کردیم آنوقت دیگر لازم نیست که در اینجا قید کنیم که مثلاً یک شخصی که سنش کمتر از بیست سال است خودش هم نباید قبول نکند، این لزوم ندارد ما میگوییم اشخاص ذیل نمیتوانند حکم نالت و قع شوند مگر بتراضی طرفین دیگر آنها قبول کنند یا نکنند چه آری دارد؟ در صورتیکه قانون بانها حق نداده است چنین اشخاصی را معین کنند

رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(عده کمی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای باسائمی

(شرح آتی خوانده شد)

پیشنهاد میکنم کلمه نالت از ماده پنج حذف شود

رئیس - آقای باسائمی

باسائمی - بنده مختصراً توضیحاتی دادم و گمان میکنم قضیه کاملاً واضح شده باشد خیلی مضحك است که آقای

احتشامزاده میفرمایند قاضی با حکم فرق دارد بنده هم تصدیق میکنم که قضاوت با حکمیت يك تفاوتهاائی دارد ولی از نظر بیطرفی نباید اینطور باشد. ما میخواهیم قضا با حکمیت خانه پیدا کند و زودتر قطع و فصل بشود اینقانون باعث میشود که تمام مردم قوم و خویشهای خودشان را حکم قرار بدهند و این خارج از انصاف است و بنده تصور میکنم حکمها باید بک اشخاصی باشند که بیطرفی شان محرز باشد

مخبر - بنظر بنده گاهی اوقات بعضی آقایان رفقاً بطرف افراط و تفریط میروند در اینجا مطابق قانونی که نوشته است طرفین حق دارند هر کس را بخواهند انتخاب کنند ولی اگر موجبات ردی پیدا شد آنطرف میتواند رد کند بنده نمی فهمم چه ضرورتی دارد که ما بکطوری قانون را بنویسیم که اختیار را از اشخاص سلب کنیم؟ و در صورتیکه آنها به تکالیف خودشان بیشتر آشنا هستند و حق خودشان را بهتر میتوانند تأمین کنند

باسائمی - حالا که قبول نکردند استرداد میکنم

رئیس - پیشنهاد آقای ضیاء

(باین مضمون خوانده شد)

اصلاح قسمت اول ماده پنج را بترتیب ذیل

پیشنهاد میجام

اشخاص ذیل نمی توانند حکم نالت بشوند خود آنها نیز باید از قبول حکمیت امتناع نمایند مگر بتراضی طرفین الی آخر

وزیر عدلیه - بنده موافقم

مخبر - بنده هم قبول میکنم این پیشنهاد را

رئیس - پیشنهاد آقای استرآبادی هم در همین زمینه

است

استرآبادی - بلی

رئیس - قبول شد. رای میگیریم به ماده پنج با

اصلاحی که قرائت شد. آقایانیکه تصویب می کنند قیام فرمایند  
(اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد

بعضی از نمایندگان - نفس

دستی - بنده مخالفم

رئیس - بفرمائید

دستی - بنده خیلی تعجب میکنم که آقایان میفرمایند نفس، ساعت نه جلسه تشکیل شده الان ساعت یازده است. دو ساعت است. آقایان هم متصل می روند بیرون حالا اگر خود آقای رئیس نفس بخواهند بدهند آن يك چیزی است ولی ما هم متصل میرویم بیرون و بر میگردیم. نفس میکنیم و باز می آئیم در مجلس؟ بنده با وجود اینکه می دانم آقایان مایل بگذشتن این لایحه هستند استدعا می کنم که اجازه بدهند این لایحه بگذرد.

جمعی از نمایندگان - نفس

(در این موقع عده از نمایندگان حرکت نموده جلسه برای نفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - ماده شش

(شرح آتی قرائت شد)

ماده ۶ - کسانی بوسیله قرعه می توانند حکم شوند که سن آنها بالغ بر سی سال شمس شده - در مقرر محکمه حضور داشته و طرفین قبل از قرعه در رد آنها متفق نباشند.

قضاة و اعضاء پارک نمی توانند در حوزه مأوربت خود قبول حکمیت نمایند مگر بتراضی طرفین

محکومین به جنحه و جنایت و اشخاصی که بعنوان جنحه و جنایت در تحت تعقیب هستند نمیتوانند مطلقاً

بحکمیت معین شوند

رئیس - آقای فیروزآبادی

بنده تصور میکنم در ملکیت بکقدری تبعیض نباشد زیرا جوانهای تحصیل کرده از بیست سال به حد بلوغ سیاسی میرسند و پنجسال هم برای تجربه آنها کافی است. بیست و پنج ساله را محروم کردن بعقیده بنده ظلم است

وزیر عدلیه - بنده تصور میکنم که خوبست آقایان بکقدری دقت بفرمایند باینکه کار حکمیت بک کار سهل و ساده نیست. بعلاوه شرط سی سال برای حکم مشترک است. آن جوان بیست و پنجساله لایق و آن نابغه را که جنابعالی می فرمائید ممکن است طرفین برای حکم شخصی خودشان قرار دهند و برای حکم مشترک سی سال خیلی خوب است

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است  
رئیس - رای میگیریم به ماده شش آقایانیکه موافقت قیام فرمایند

(اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد ماده هفت

(شرح ذیل خوانده شد)

ماده ۷ پس از تعیین حکم محکمه قرار نامه حکمیت را تنظیم کرده و فوراً بامضای طرفین دعوی و منتها در ظرف سه روز بامضای حکمها میرساند هرگاه بک یا چند نفر از حکمها از قبول حکمیت استنکاف نمایند در ظرف سه روز پس از استنکاف بجای مستنکف مطابق ماده ۴ تعیین حکم خواهد شد پس از قبول حکمیت حکمها بک نفر ازین خود آنها معین خواهد کرد که محکمه سواد اوراق و اسناد طرفین را پیش او بفرستد.

در صورتیکه حکم بکنفر باشد سواد اوراق و اسناد پیش او فرستاده میشود در قرار نامه حکمیت نکات ذیل قید میشود

- (ا) اسم و اسم خانواده و شغل متداعیین و حکم
- (ب) میزان مدعی به به ترتیبی که در مواد راجع بعرضحال مقرر است
- (ج) مدت حکمیت

فیروز آبادی - بنده مخالفم در این ماده نسبت بسن است که سی سال شمی معین کرده است چون بنای این لایحه روی آسایش کار مردم است. اینجا آمده سی سال معین کرده چه بسیار اوقات میشود اشخاصی که کمتر زسی سال هم باشند لایق هستند برای اینکار باین ملاحظه سی سال زیاد است بیست و پنجسال و اینقدرها معین کنند بهتر است.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - اینجا باز توجه بفرمائید. افراد نادر را هیچوقت مناط قرار ندهید. باید اصولاً اینطور باشد. بچه پانزده ساله و بیست ساله و بیست و پنجساله این مقام را ندارد. زیرا این حکمیت را ما میخواهیم خیلی با وقار باشد و افکار عمومی را متوجه کنیم باین موضوع که این مقام بک مقام خیلی بزرگی است. حقیقه مسئله حکمیت چیز خیلی خوبی است و این بک درس اخلاقی است که تمام متوجه حکمیت بشوند و از سی سال کمتر آن اهمیت را ندارد. حالا نگوئید نسبت به ملت توهین کردی: خیر. ولی این مقامی که قاضی باید چه ترتیب باشد که موقعیت داشته باشد اینجا هم هست این بود که پیشنهاد کردیم سی سال باشد که موقعیت و مقام آن محفوظ باشد

رئیس - آقای احتشام زاده

احتشام زاده - موافقم

رئیس - آقای عمادی

عمادی - موافقم.

رئیس - آقای روحی -

روحی - عرض کنم که متأسفانه به بنده اجازه اول نرسید بنده هم نظر آقای فیروز آبادی را تأیید میکنم که بیست و پنج ساله بک سن کاملی است که میتواند بکنفر در امور اجتماعی دخالت کند حتی بنده قائل هستم که سن وکیل هم بیست و پنجسال بشود نه سی سال

مدت حکمیت را که کمتر از سه و بیش از سی روز نخواهد شد محکمه معین مینماید و ابتدای آن از روزی است که تمام حکمها کتباً حکمیت را قبول نموده محکمه میتواند مدت حکمیت را به تقاضای اکثریت حکمها بک مرتبه به تراضی طرفین دعوی هرچند بار که تقاضا نمایند تجدید کند کسیکه قبول حکمیت کردو قبل از اتمام عمل و دادن رأی بدون عذر موجه استعفاء نموده تا ده سال در هیچ قضیه نمیتواند حکم شود مگر بتراضی طرفین

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - اینجا آقای وزیر و آقای مخبرنوجه داشته باشند ماده هفت نوشته است پس از تعیین حکم محکمه قرار نامه حکمیت را تنظیم کرده و فوراً بامضای طرفین دعوی و منتها در ظرف سه روز بامضای حکمها میرساند هرگاه بک یا چند نفر از حکمها از قبول حکمیت استنکاف نمایند در ظرف سه روز پس از استنکاف مطابق ماده چهار تعیین حکم خواهد شد. در اینجا می خواهد بگوید اگر حکم مختص هم استنکاف کرد این عبارت این طور میرساند که این حق از کسی که حکم او حاضر نشده سلب میشود و بمحکمه این حق داده میشود. او میگوید من که حکم معین کردم حالا او استنکاف کرده چرا حق من ازین رفته باشد؟ اینجا مینویسد که مطابق ماده چهار این حق بمحکمه می رسد و محکمه تعیین حکم میکند بنده عرض میکنم اینجا که آن حکم استنکاف کرده حق من که باید اطمینان داشته باشم بیک کسی باید بمن حق بدهند که بکنفر دیگر را معین کنم نه این که این حق از من گرفته شود. این عبارت «در ظرف سه روز پس از استنکاف بجای مستنکف مطابق ماده چهار تعیین حکم خواهد شد» یعنی چه؟ یعنی دیگر حکمی که بنده معین کردم و استنکاف کرد و نیامد آنوقت باید این حق از بنده گرفته شود و بمحکمه حق داده شود که تعیین حکم کند مطابق ماده چهار؟ ماده چهار میگوید

حکم را محکمه تعیین میکند مگر اینکه اینجا توضیح بدهید که از استنکاف حکم حق من که باید تعیین حکم بکنم ساقط نشده باشد.

وزیر عدلیه - متأسفانه بنده بواسطه اینکه بجزان کاغذ آقایان را باید بنویسم و کامی هم صحبت میکنم متوجه بفرمایش آقایان نشدم ولی حالا میبینم این ماده هشت است که صحبت میشود؟ ...

آقا سید یعقوب ماده هفت است  
وزیر عدلیه - اگر ماده هفت است بخواهید عبارتت را که اعتراض دارید.

آقا سید یعقوب - آخر آقای رئیس باید اجازت بدهند. هرگاه بک یا چند نفر از حکمها از قبول حکمیت استنکاف نمایند در ظرف سه روز پس از استنکاف بجای مستنکف مطابق ماده چهار تعیین حکم خواهد شد.

مدرس - مطابق ماده چهار را باید زد مطابق مواد سابق.

وزیر عدلیه (خطاب به آقا سید یعقوب) پیشنهاد بدهند بعد توضیحاتتان را بفرمائید جواب عرض کنم

رئیس - آقای احتشامزاده  
احتشامزاده - موافقم

رئیس - آقای کازرون  
کازرون - اگر چه آقای آقا سید یعقوب عرضی اظهار داشتند و بنده تا اندازه با نظر ایشان موافقت میکنم

لکن بیک توضیح گمان نکنیم درست میشود و این اظهار هم رفع میشد اصلاً عبارت مستلزم ابهامی بود طرفین آن هست ماده چهار میگوید: ممکن است طرفین بکنفر را بتراضی برای حکمیت انتخاب کنند و ممکن است هر کدام بک حکم معین کرده و حکم بک را بتراضی تعیین نمایند الی آخر اینکه میگوید بر طبق بک قسمت از ماده چهار میگوید بر طبق ماده چهار لکن عبارت ظوری تنظیم شده که مستلزم این ابهام است که آقای آقا سید یعقوب

این اظهارات را فرمودند از این جهت عرض کردم که با اظهارات ایشان موافق هستم و عرض کردم ممکن است توضیح بدهند که بر طبق ماده چهارم یعنی حکم ناک را تجدید بکنند.

مخبر - بنظر بنده اگر آقایان در ماده چهارم قدری دقت بفرمایند این اشکال رفع میشود برای اینکه در ماده چهارم معین میشود که چه جور حکم را معین میکند و حکم ناک را کی معین میکند وقتی که اینجا اشاره میشود بان ماده معنایش این است که اگر حکم شخصی قبل از قبول استنکاف از قبول کرد مطابق ماده چهارم تعیین میشود یعنی چه؟ یعنی آن کسیکه او را معین کرده يك نفر دیگر را معین میکند این است که بنظر بنده ابهامی ندارد و خیلی صریح است.

رئیس - آقای عمادی

عمادی - موافقم

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

(به این مضمون قرائت شد)

پیشنهاد می‌گردد ماده چهارم حذف شود

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - آقای وزیر عدلیه توجه بفرمایند در ماده چهارم در واقع سیاق عبارت این است که محکمه حکم ناک را بقرعه معین میکند حقیقه روح ماده متوجه بان قید است، آنوقت در اینجا که آمدید نوشتید مطابق ماده چهارم تعیین خواهد شد این عبارت در واقع بر میگردد و متوجه روح آن ماده میشود، یعنی چه؟ یعنی این طور معلوم میشود که مطابق ماده چهارم حق تعیین حکم مشترك با محکمه است یعنی آن شخصی که میخواهد حکم معین کند حق ندارد و این حق از آن شخص بر میگردد به محکمه در صورتیکه بنده عقیده ام این بود که بنده مدعی هستم اگر حکم

من استنکاف کرد حق تعیین حکم بان زردی از من گرفته نشود و به محکمه داده شود. نه این که همیشه این حق برای من باقی باشد که می من حکم معین بکنم و می حکم استنکاف کند خیر ولی برای يك مرتبه این حق برای من باشد که بتوانم يك یا دو مرتبه حکم من اگر استنکاف کرد حق تعیین حکم داشته باشم و این پیشنهادی را که بنده داده ام برای این است که عبارت درست شود و نظر بنده تا معین شود و الا با این ترتیب این حق از بنده ساقط میشود

وزیر عدلیه - عرض کنم که این جا يك اشتباهی در رقم شده است مطابق ماده ۸ باید باشد نه ماده ۴ در ماده هشت پیش بینی می کنند در فقره الف و ب که هرگاه حکم مشترك حاضر نشود دو حکم دیگر رسیدگی کرده و رای خود را در ظرف پنج روز خواهند داد و الا محکمه بتقاضای یکی از متداعین بر طبق ماده ۴ حکم مشترك دیگری تعیین می نماید.

در صورت عدم حضور حکم مختص یکی از متداعین حکم مشترك فوراً توسط محکمه کتباً تعیین حکم دیگری را از طرف تقاضا کرد.

چنانچه از تاریخ ابلاغ تقاضای مزبور از تاریخ پنج روز حکم جدید حاضر نشود حکم مشترك و حکم مختص دیگر رسیدگی نموده رای خواهند داد و در صورت توافق محکمه بر طبق ماده ۴ حکم مختص را بقرعه معین خواهد کرد

این جا مقصود این است که بر طبق ماده هشت است و ماده چهارم اشتباه شده است. یعنی اگر حکم مختص نیامد و قبول نکرد در ظرف پنج روز باید بان شخص اطلاع بدهند که حکم دیگری معین نماید و در ظرف پنج روز باید حکم را معین بکنند آنوقت اگر حکم مشترك بود که قبول نکرده باید رجوع نمایند به محکمه و محکمه مطابق ماده چهارم معین مینماید و بجای ماده ۴

خوب است نوشته شود مطابق مفاد ماده ۸ تعیین حکم خواهد شد

آقا سید یعقوب - این حرف آقای وزیر نظر بنده را تأمین کرد و پیشنهاد خودم را مسترد میکنم وزیر عدلیه - چون ماده هشت اشاره بماده چهارم میکند بنویسند مطابق ماده ۸ تعیین حکم خواهد شد رئیس - پیشنهاد آقای فیروز آبادی (این قسم قرائت شد)

پیشنهاد میکنم که نوشته شود منتهی در ظرف ده روز بامضای حکمها برسانند

فیروز آبادی - اینجا نوشته شده است در ظرف ۳ روز بامضای حکمها برسانند آیا تصور می فرمائید که چطور میشود در این شهر نوشته را در ظرف ۳ روز بتوسط فراش و اینها بامضا رسانند و بر گرداند؟ بنده گمان میکنم برای آسایش عامه که اولین مقصود این قانون است مدت را ده روز قرار بدهند البته در مقام نوشتن ممکن است سه روز قرار داد ولی برای عمل لا اقل ده روز باید باشد و کمتر از آن کافی نیست حکم است تا برود فکر کنند به بند که صلاح است امضا کند یا نه لا اقل مدتی وقت لازم دارد و سه روز خیلی کم است

وزیر عدلیه - عرض کنم که عادت همیشه بر این جاری بوده است که آقای فیروز آبادی در موقع مذاکره در خرج بیشتر دقت بفرمایند و کمترش کنند ولی در وقت هیچ اهمیتی نمیدهند و زیادتر میکنند ما می خواهیم تسریع بشود و زودتر کار بگذرد حالا شما سه روز را می فرمائید ده روز کنیم؟

رئیس - رای میگیریم آقایانی که این پیشنهاد را قایل توجه میدانند قیام فرمایند

(دوسه نفر قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد رأی میگیریم بماده ۷ بالتبدیل

اجرائیه صادر خواهد کرد

ماده ۴ بماده ۸ آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده هشتم

(اینقسم قرائت شد)

ماده ۸ - در صورتیکه یکی از حکمها تا سه جلسه ماطله و مسامحه از حضور نماید یا اصلاح جلسه حاضر نشود بترتیب ذیل رفتار خواهد شد:

۱ - هرگاه حکم مشترك حاضر نشود دو حکم دیگر رسیدگی کرده رای خود را در ظرف ۵ روز خواهند داد و الا محکمه بتقاضای یکی از متداعین بر طبق ماده ۴ حکم مشترك دیگری تعیین می نماید

ب - در صورت عدم حضور حکم مختص یکی از متداعین حکم مشترك فوراً توسط محکمه کتباً تعیین حکم دیگری را از طرف تقاضا خواهد کرد

چنانچه از تاریخ ۵ روز حکم جدید حاضر نشود حکم مشترك و حکم مختص دیگر رسیدگی نموده رای خواهند داد و در صورت عدم توافق محکمه بر طبق ماده ۴ حکم مختص را بقرعه معین خواهد کرد حکمها در رسیدگی و حکم تابع مقررات قانون اصول محاکمات حقوقی نیستند ولی باید مخالفت قوانین و شرایط قرار داد حکمیت را نمایند.

متداعین اسناد و مدارك و لوایح خود را بحکمها داده و حکمها میتوانند از آنها توضیحات شفاهی بخواهند در رأی حکم باید اسم و شهرت متداعین و حکم و موضوع منازعه و اسباب مدارك و دلایل رأی تصریح شود هرگاه بعضی از حکمها از امضای رأی امتناع نمایند سایرین امضاء نموده و این امتناع را در حکم قیدی نمایند حکمی که بامضای اکثریت حکمها رسیده است آن اعتبار را دارد که بامضای تمام حکمها رسیده باشد محکمه که قرار حکمیت داده مطابق رأی حکم ورقه

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقای آسید یعقوب - در اینجا يك شبهه دارم بنده و مقام ریاست توجه میفرمایند و رفع آن شبهه بنده را می کنند. اینجا در ماده ۷ رای دادیم مطابق ماده ۸ که هنوز نیامده بود حالا آن قضا شده بود و باید ادا کنیم نمیدانم. اینجا در ماده ۸ می نویسد اگر یکی از حکم ها سه جلسه اصلاح حاضر نشود. بنده نمیدانم که این دو تا چگونه میشود هر دو یکی است خوب چه فرق دارد. حاضر نشود یا مطالعه و مسامحه کنند این دو نامعنايش يك چیز است باز اگر می نوشته سه جلسه متوالی یا متناوب لا اقل بین این دو جمله يك فرق میشد ولی حالا که بنده نفهمیدم مگر توضیح بدهند که بفهمم. این يك عرض بود. عرض دوم این است که اینجا می نویسد؛ هرگاه حکم مشترك حاضر نشود دو حکم دیگر رسیدگی کرده رأی خود را در ظرف پنج روز خواهند داد و الا محکمه بتقاضای یکی از متداعیین بر طبق ماده ۴ حکم مشترك دیگری تعیین مینماید. این یعنی چه؟ در اینجا و الا محکمه به تقاضای یکی از متداعیین حکم دیگر معین مینماید این الاستثناء از چه چیز است. یعنی اگر رأی ندادند؟

وزیر عدلیه - بلی بلی

آقا سید یعقوب - ما قانون میگذرانیم که در این مدت باید بکنند و حالا اگر نکرد و رأی نداد دیگر ما اینجا بنویسیم اگر نکردند محکمه بتقاضای یکی از متداعیین فلان این یعنی چه؟ یعنی در اینجا حقوق حکمیت ساقط میشود؟ و دیگر حکمیت ندارد و آن مقامی را که بهش داده اند برای حکمیت از بین میرود و محکمه باید این کار را بکند؟ در واقع اینطور میخواید بگوید که حکم انقضائش از محکمه صادر میشود خوب این عبارت را صریح تر بنویسید خجالت که ندارید. بنویسید در ظرف پنجروز اگر نکردند منفضل میشوند. این يك ابراد است که باید اصلاح شود چون مقصود صریح در مدعا نیست که حق

حکم ساقط میشود و محکمه حکم دیگری معین می کند. یکی دیگر در این مسئله است که نوشته است حکم ها در رسیدگی و حکم تابع مقررات قانون اصول محاکمات حقوقی نیستند ولی باید مخالفت قوانین و شرایط قرار داد حکمیت را نمایند خواست آقای وزیر توجه بفرمایند - آقای مخبر حفظه الله تعالی هم که هیچ توجه نمی فرمایند بعد يك چیزی می فرمایند آنوقت می فرمایند که من اصولی صحبت میکنم ولی در صورت فرمایشاتشان اصولی چیزی نبود نوشته است که حکم ها در رسیدگی که حکم تابع مقررات قانون اصول محاکمات حقوقی نیستند ولی باید مخالفت قوانین و شرایط قرار داد حکمیت را نمایند. در این جا باید معلوم شود که حکم ها در رسیدگی و حکم تابع قوانین اصول محاکمات حقوقی نیستند یعنی چه چو این کلام را بر سیل اطلاق بنده مخالف هستم که نوشته شود البته آن نیز محاکمه گذاشته شود و چیز سبزی رویش بکشند و در نا صندلی بگذارند و اینها محاکمه شوند بلی در این قسمت هایش تابع نباشد مطلبی نیست ولی در اصول محاکمات حقوقی بنده معتقدم که باید تابع باشند قوانین و اصول باید محفوظ باشد و باید حکم ها کاملاً مطیع و تابع آن قانون باشند بنده نظرم این است که در ترتیبات محاکمه تابع آنها نباشند ولی نه اینکه بتوانند بر خلاف قوانین موضوعه حکم بدهند آنوقت بعد می نویسند که ولی باید مخالفت قوانین و شرایط قرار داد حکمیت را نمایند یعنی هم موافق قانون باشد هم نباشد؟ این آخر از دو صورت بیرون نیست با موافق است یا مخالف بین نفی و اثبات که واسطه نیست چه میکنند این حکم ها موافق که نیستند مخالف هم که نیستند پس چه کاره اند؟ این است که ماده بجهل است و بنده معتقدم که باید معین شود که حکم ها تابع قانون اصول محاکمات حقوقی هستند در رسیدگی و حکم ولی تابع تشریفات آن نیستند یعنی در اصول محاکمات حقوقی که مطالعه کردیم دیدیم که موافق است با عبادات و اصول

مملکتی و دینی مان و اخلاق ملی مان آنوقت چطور می توانیم بگوئیم که حکمها تابع آن نیستند و میتوانند خود بخود کار کنند؟ اینها باید اصلاح شود و باید آقای وزیر عدلیه توضیح بدهند

وزیر عدلیه - خلاصه مسلم فرمایشات آقای آقا سید یعقوب عبارت از سه مسئله بود: یکی راجع بود به سه جلسه مسامحه و مطالعه و حاضر نشدن آنچه که ما فکر کردیم این بود که مطالعه و حاضر نشدن با هم فرق دارد یعنی يك وقت حاضر نمیشود ولی مطالعه این است که آقای حکم يك ربع با آخر وقت مانده حاضر می شود این حاضر شده ولی خوب کاری نکرده این البته مسامحه است و کار را عقب می اندازد و بنده تصور میکنم بین مطالعه و مسامحه و حاضر نشدن را خوب می شود تفکیک کرد.

اما در قسمت دوم مقصود این نیست که حکم ها در ظرف پنج روز از حکمیت می افتند. مقصود این است که در ظرف پنج روز با این دو نفر توافق نظر پیدا می کنند یعنی حکم مختص بنده و شما توافق پیدا میکنند که در این صورت لازم نیست حکم مشترك باشد. با اینکه توافق پیدا نمی کند حکم ها در این صورت یعنی در صورت عدم توافق حکم مشترك می آید آن جا و بالاخره اکثریت حاصل میشود مقصود از این ماده این است و حالا هم یکی از آقایان اینجا پیشنهاد کرده اند که بجای والا نوشته شود و در صورت عدم توافق و این البته مطلب را روشن میکند در قسمت سوم که راجع است مسئله تشریفات محاکمه: قوانین حکمیت یکی از محسنات با یکی از معایبش این است (بنظر آقایان) که قانون را تا هر چه که بتوانند سعی کنند سهل و ساده باشد آن حکمها تمام اطراف قضیه و جهات کار را در نظر میگیرند همان طوریکه در قانون ملاحظه میفرمائید البته با سراعات انصاف و سعی میکنند که اولاً شاید صلح بدهند طرفین را و حکم ندهند و الا رأی خود را میدهند ولی اگر شما حالا بخواهید بیایید اینجا و تمام قواعد و قوانین و

مواد را بهمان ترتیبی که در محاکم هست این جا اجرا و اعمال کنید دیگر خوب حکمیتی نمیشود آنوقت محکمه استبداف هم باید دخالت کند دیوان عالی تمیز هم باید مداخله کند که تمام مواد در نظر گرفته شده و مطابق قانون بوده است یا خیر؟ و این ترتیب البته با مقصودی که آقایان راجع بحکمیت دارند خیلی فرق دارد حکمیت برای این است است که اینها دیگر نباشد

رئیس - آقای بامداد

بامداد - قانون حکمیت بزرگترین نقطه نظرش این است که تسهیل میکند دعاوی را و خیلی زود کار را فیصله میدهد و دیگر نه استیناف دارد و نه تمیز و چون این طور است و چون وقتی حکم حکم ها در آمد دیگر هیچکارش نمی شود کرد و این است که باید خیلی در این قانون دقت کرد. یعنی ممکن است که دو ناسه تا حکم جمع شوند با اشتباه یا با غیر اشتباه یا بنا به تقریری که آقای داد گرفتار بودند يك تباانی هائی بکنند و يك رائی بدهند این دیگر حکمش هم قطعی است و صد هزار تومان يك کرور دارائی یا با بصر يك اشتباه کاری ممکن است از بین برود پس باید يك قدری دقت کامل در این قانون بشود اینجا يك قسمت نوشته شده است که اگر حکم مشترك حاضر نشود دو حکم دیگر رسیدگی کرده رای خود را در ظرف پنج روز خواهند داد یعنی دو حکم در واقع حکم دو طرف دعوی را نشینند و این دو حکم در واقع حکم دو طرف دعوی را دارند یعنی یکی مدعی است یکی مدعی علیه است. هیچ فرق نمی کند خوب اگر اینها اینقدر اهل تراضی بودند و راضی بودند و حاضر بودند کارشان را مابین خودشان ختم کنند دیگر این قانون حکمیت اجباری پیدا نمیشد و مطابق ماده چهارم دیگر معنی نداشت که اگر نیابند و حاضر نشوند چطور باید بشود مدعی و مدعی علیه لابد يك نقطه فاصلی داشته اند که کارشان بدعوی رسیده است در حکمیت یکی شان بتراضی و یکی شان با جبار موافقت کرده آنوقت باید این حکم ها به نشینند و اگر

هم حکم مشترك (که تقریباً بی طرف تر است) حاضر نشد بیابند و حتماً کار را تمام کنند خیر نمی نشینند خوب مدعی و مدعی علیه هستند دیگر نمی نشینند خانه بدهند (باید) این معنی را دارد دیگر این مخالف با روح دعوی است و چیز عجیبی است هرگاه حکم مشترك حاضر شود دو حکم دیگر رسیدگی کرده و در طرف پنجم روز رای خود را خواهد داد خوب نمی آیند. این حکم است بطور اطلاق. نمی آیند. و الا اگر رای ندادند محکمه بر طبق ماده ۴ عمل خواهد کرد. این یعنی چه؟ این قسمت یکی از ایرادات بنده است و این عبارت خیلی مندرج است و ممکن است اسباب زحمت شود. دیگر اینکه در لایحه نوشته است که حکم ها در رسیدگی و حکم تابع مقررات اصول محاکمات حقوقی نیستند ولی باید مخالفت قوانین و شرایط قرار داد حکمیت را نمایند. اینکه تابع مقررات محاکم و اصول محاکمات نیستند این البته صحیح است چون حکمیت معنایش این است در یک دهی است سر یک جریب زمین. یک خرمن. پنج خرور گنده. جو دعوی ایجاد میشود خوب دو حکم با کدخدای می نشینند و آن را خانه میدهند این قضیه قضیه دماغی است و شخص باید خبرویت خودش را بروز دهد آنوقت این قسمت ز عبارت تناقض دارد با قسمت بعدش که مینویسد ولی مخالفت قوانین و شرایط حکمیت را نمایند. خوب مخالفت قوانین را نکنند یعنی چه؟ یعنی قوانین مقرر در عدلیه و اصول محاکمات حقوقی یا قوانین شرع را؟ اگر قوانین شرع مقصود آن است خوب البته هیچکس نمیتواند این حرف را بزند و نمی تواند بگوید موروث از ارث خود محروم باشد البته احدی این حرف را نمی تواند بزند و اگر مطابق قوانین اصول محاکمات و عدلیه و اینها است که این جمله تناقض دارد با جمله بعدش. این جا باید این قانون (هر قانون کلیه) بطور خیلی سهل و ساده نوشته شود که همه بفهمند. ولی در این ماده این دو عبارت با هم تناقض دارد ولی شرایط حکمیت البته اگر

حکم محدود بود و بلك شرایطی حکمیت را بهش دادند صحیح است یعنی همان شرایط آمده است و حکمیت کرده است ولی اگر مخالفت کرد با قوانین یعنی چه؟ کدام قوانین این خیلی عبارت مجملی است که اسباب زحمت است و دیگر این نیست که میگوید هرگاه بعضی از حکمها از امضاء رای امتناع نمایند سزای او ضربه کرده ولی این امتناع را در حکم قید می نمایند حکمی که با امضاء اکثریت حکم ها رسیده است آن اعتبار را دارد که با امضای تمام حکم ها رسیده باشد. قبل و بعد این قسمت هم هیچ تصریح نکرده است که بعد از رسیدگی بعد آنکه اینها دو سببه رسیدگی شان را ترتیب دادند بعد از تمایل یکی حکم ها و قانع شدن باینکه حق با طرف است؟ فقط بطور مطلق نوشته شده است که اگر یکی از آنها استنکاف کرد از امضاء دیگران امضاء می کنند و این در حکم امضائی میشود که دیگری کرده است و رایش قاطع است اکثریت حاکم است و محکمه هم مطابق قرار حکمیت رای صادر میکنند این خیلی مجمل است خوب بلکه خبر نداده باشد بآن حکم و روز جلسه است آنوقت آن دو نفر می آیند می نشینند و رای خودشان را میدهند دو نفر آمده اند بلك نفر نیامده است. خبر نداده اند و میگویند خوب آن که نیامد رای ندارد و دعواش هم ساقط است. ماده هم خیلی در این قسمت ساکت است و تصریح ندارد و در عمل اسباب زحمت میشود این است نظریات بنده تا به بنیم چه توضیحاتی میدهند.

مخبر - بنظر بنده مطالبی که نماینده محترم فرمودند متضمن اعتراض واردی باین ماده نبوده است زیرا فرمودند در حکمیت باید دقت کرد. این مطلب با راجع است بلزوم تدقیق مجلس در قانون با دقت حکم ها؟

نماداد - خیر مجلس

مخبر - بعقیده بنده مجلس بیش از حد معمول تدقیق کرده است در این قانون برای اینکه در کیسیون چندین دفعه این مطلب تدقیق شده است و اگر ملاحظه فرمائید

برای وضع يك ماده که تکالیف حکم ها را معین میکند صریح تر و مناسب تر از این ماده از هر جهتی بنظر نمی آمد حالا به بینیم اصلاً دقت شده یا نشده و اشکال حضرتعالی چه چیز است. می فرمائید که اگر حکم مشترك حاضر نشد چرا دو نفر دیگر رای بدهند و چرا اجباری باشد؟ اولاً در این ماده نوشته نشده است که اجباراً باید رای بدهند این ماده مفهومش اینست که اگر در ماده رسیدگی موافقت کردند میروند بی کارشان و مطابق آنچه که موافقت کردند رای شان را می نویسند و میدهند و این هیچ اشکالی ندارد صحبت اجباری کردن هم بنظر بنده صحیح نیست در این جا قسمتی که فرمودند این است که مشکل است آنها موافقت کنند چون آنها بمنزله متداعیین هستند البته از این حیث که از طرف متداعیین اختیار دارند بمنزله آنها هستند ولی از نظر علاقه و احساسات و خصوصیات تماماً مثل آنها نیستند آنها بلك اشخاصی هستند که مطابق این قانون از طرف آنها معین میشوند که مطابق قانون حکم بدهند و مطابق عدالت و انصاف حکومت کنند. خوب اگر مطابق قانون حاضر شدند که بر طبق عدل و انصاف حکومت کنند باید آنها اعتراض کرد خیر این عمل صحیحی است و لازم اجرا است بعلاوه بر فرض اینکه حکم مشترك هم با آنها ضمیمه شود اگر آن دو نفر موافقت کردند رای شان قطعی میشود بنا بر این اشکال وارد نیست فرمودند در اینجا نوشته شده است حکم ها تابع اصول محاکمات حقوقی نیستند ولی در قوانین نباید مخالفت کنند تصور کرداند که این دو جمله تناقض است در صورتی که اینطور نیست مقصود از قانون یعنی قوانین مدنی که اصول و مناسبات حقوق اشخاص و تکالیف آنها را نسبت بهم در معاملات و غیره معین میکند و مقصود از قانون اصول محاکمات آن تشریفات و مراسمی است که محاکم باید در مورد تطبیق قانون امور را فضاوت و قانون را اجرا کنند. البته حکم نباید آن

تشریفات را رعایت کند و اصلاً وضع قانون حکمیت برای این است که طرفین دعوی از نتایج بدان تشریفات که باعث تضییع وقت است و خستگی آور است آسوده شوند باین جهت هیچ اشکالی ندارد و اینکه مخالفت از قوانین نکنند البته نباید حکم مخالفت با قوانین مملکتی بکنند. فرمودید نوشته است که اگر یکی از حکمها استنکاف کند از امضاء دیگران امضاء کرده و رای می دهند و امتناع او را مینویسد و رای شان هم قطعی است البته این يك مسئله قطعی است وقتی که چند نفر وظیفه دار باشد يك کاری را انجام دهند بعد از اتمام کار یکی از آنها که در نتیجه از کار استنکاف کند آن را باید بنویسند و قید کنند اینکه اشکالی ندارد. در هر صورت این اشکالاتی که حضرت عالی فرمودید وارد است و وارد نیست.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - پیشنهاد ختم جلسه شده است

جمعی از نمایندگان صحیح است

رئیس - جلسه انبه فردا شب

دادگر - بنده در باب جلسه عرض دارم

جمعی از نمایندگان - پس فردا شب باشد

رئیس - شب قبل این طوز رای دادید

اقای ملك مدنی

ملك مدنی - بنده عقیده ام این است که این ماده

را تمام کنیم بعد جلسه را ختم کنیم يك ربع تا ممل کنیم

تا این ماده تمام شود

رئیس - آقای دادگر

دادگر - عرض کنم که بنده گمان میکنم ماده ۸

رای بدهیم بعد جلسه ختم شود افلايك کاری کرده

باشیم و بعلاوه می خواستیم دو سه تا عرض کنم اولاً

تقاضا کنم که يك رأي آخری هم بدهیم راجع بعیدی

مستخدمین جزء برای اینکه پیشنهاد آقای فرزند هم عملی

را ممکن بود ماها قبول کنیم در صورتیکه فردا شب و پس فردا شب را جلسه نداشته باشیم ولی وقتی که بنا شد جلسه باشد اهمیت ندارد که همین حالا و امشب همه کارها را بکنیم خوب است ایشان هم موافقت فرمایند جلسه ختم شود وقت سحر است آقایان باید بروند راحت کنند فردا شب و پس فردا شب بقیه کارها را می‌کنیم . اشکالی ندارد

جمعی از نمایندگان - صحیح است

رئیس - جلسه ختم میشود .

(مجلس شش ساعت و نیم از شب گذشته ختم شد)

شده باشد کاری هم ندارد

یکی از نمایندگان - فردا شب

دادگر - با فردا شب باشد فرقی ندارد و بالاخره اگر هم جلسه بنا باشد باشد خوب است همان فردا شب باشد و فاصله بین آن نباشد چون بعضی از رفقا میفرمایند پس فردا شب باشد همان فردا شب باشد بهتر است که اگر کارهای مان ناتمام است تمام کنیم بعد اگر کسی هم خواست برود قمی جائی زمان داشته باشد

رئیس - آقای رفیع

حاج آقارضا رفیع - عرض کنم که فرمایش آقای دادگر

www.iran-archive.com